



دادگاه ویژه قتل کوئینزلند

یافته‌های تحقیق

موضوع:	تحقیق در مورد مرگ امید مولایی
عنوان دادگاه:	دادگاه قتل
حوزه قضایی:	Brisbane
فایل‌های شماره:	1453/2020
تاریخ تحویل:	17 نوامبر 2023
محل تحویل:	Brisbane
تاریخ(های) رسیدگی:	30 می 2022، 5-9 دسامبر 2022
یافته‌های:	Terry Ryan، بازپرس قتل ایالتی
کلمات کلیدی:	بازپرس‌های قتل: تحقیق، مرگ در بازداشت، تیراندازی پلیس، خودسوزی در وسیله نقلیه، تیم واکنش امنیت عمومی، فرماندهی حوادث، خشونت خانگی.
نمایندگی:	
مشاور دستیار:	Ms R Helsen
خانواده مولایی:	آقای M Rawlings از طریق مرکز حقوقی Caxton
افسران QPS:	آقای Gnech، C Gnech و همکاران

افسر ارشد Chand:

خانم R Tierney، Gilshenan و Luton

گروهبان کارآگاه Downey:

خانم S Ford، Gilshenan و Luton

کمیسر پلیس:

آقای M O'Brien، واحد حقوقی QPS

فهرست مطالب

مقدمه	1
تحقیق	1
مدرک	2
یافته‌های تحقیق	10
نتیجه‌گیری در مورد مسائل تحقیق	20
یافته‌های مورد نیاز بخش 45 قانون قتل	20
هویت متوفی	20
چگونه فوت کرد -	20
محل فوت	20
تاریخ مرگ	20
علت مرگ	20
نظرات و پیشنهادات	24

1. امید مولایی در زمان مرگ 43 سال داشت. او در 6 آوریل 2020 پس از اینکه در پارکینگ رستوران مک دونالد در Sunnybank در Brisbane خود را آتش زد و به سمت پلیس دوید، در اثر اصابت گلوله پلیس کشته شد. اوایل همان شب، او روی خودش و شریک زندگی‌اش بنزین ریخته بود و تهدید کرده بود که شریک زندگی‌اش و خودش را در خانه‌اش در Sunnybank آتش می‌زند. او همچنین تهدید کرده بود که به پلیس آسیب می‌رساند.

تحقیق

2. مرگ آقای مولایی بر اساس قانون پزشکی قانونی (قتل) مصوب 2003 به عنوان "مرگ در بازداشت" تلقی شد. طبق بخش 27 قانون پزشکی قانونی انجام تحقیقات مورد نیاز بود.

3. در پی کنفرانس پیش از تحقیق در 30 می 2022، موضوعات تحقیق به شرح زیر تعیین شد:

- یافته‌های مورد نیاز بخش 45(2) قانون پزشکی قانونی 2003: به ویژه هویت فرد متوفی، زمان، مکان و نحوه مرگ و علت مرگ.
- شرایط منجر به تیراندازی پلیس به آقای مولایی در 6 آوریل 2020.
- تناسب و کفایت اقدامات مأموران پلیس حاضر در تاریخ 6 آوریل 2020 در رابطه با آقای مولایی از جمله راهبرد تاکتیکی بکار گرفته شده، اثربخشی مذاکرات انجام شده و تصمیم پلیس برای استفاده از نیروی مهلک و غیره.
- اینکه آیا افسران پلیس درگیر مطابق با خط مشی‌ها و رویه‌های سرویس پلیس کوئینزلند (QPS) عمل کردند و آیا اقدامات آنها مناسب بود.
- آیا آموزش ارائه شده به افسران در واکنش به یک حادثه مشابه کافی است.
- کفایت تحقیقات در مورد مرگ توسط افسران فرماندهی استانداردهای اخلاقی سرویس پلیس کوئینزلند (QPS).

4. این تحقیقات از 5 تا 9 دسامبر 2022 انجام شد و 19 شاهد برای ارایه مدرک احضار شدند. هدف اصلی تحقیق اطلاع‌رسانی به خانواده و مردم در مورد علت و شرایط منجر به مرگ و پاسخ به سوالاتی است که ممکن است پس از مرگ مطرح شده باشد. در موارد مناسب، بازپرس قتل می‌تواند در مورد راه‌های پیشگیری از مرگ‌های مشابه، اجرای عدالت و سلامت و ایمنی عمومی، نظرات یا توصیه‌هایی ارائه کند. تشخیص اینکه فردی مرتکب جرم کیفری شده است یا مسئولیت مدنی دارد، وظیفه بازپرس ویژه قتل نیست.

مدرک

تاریخچه شخصی

5. آقای مولایی در 22 سپتامبر 1976 در ایران به دنیا آمد. سوابق وزارت امور کشور نشان می‌دهد که او در آوریل 2011 به طور غیرقانونی با قایق وارد استرالیا شده است.¹ خانواده او از جمله دخترش از ازدواج قبلی در ایران ماندند. در 24 ژانویه 2012، ویزای حفاظتی به او اعطا شد که به او اجازه می‌داد در استرالیا بماند.²
6. در زمان مرگ، آقای مولایی با شریک زندگی خود، خانم پویان، و سه فرزندش در Wynne Street, Sunnybank زندگی می‌کرد. آنها پس از ملاقات آنلاین، چندین ماه با یکدیگر رابطه داشتند. آقای مولایی در دسامبر 2019 از South Australia نقل مکان کرد³ و بلافاصله با خانم پویان، یک زن کرد زبان اهل عراق شروع به زندگی کرد.
7. آقای مولایی سابقه کیفری نداشت. با این حال، چهار حادثه پلیسی در New South Wales و South Australia ثبت شدند. حوادث South Australia مربوط به گزارش فرد ناپدید شده، یک تصادف بزرگ و خشونت خانگی بود.⁴
8. مدارک پزشکی نشان می‌داد آقای مولایی تایید کرده که در گذشته گاه به گاه مواد مخدر مصرف کرده است. او همچنین از افسردگی و اضطراب رنج می‌برد و در سال 2013 برای درمان به روانشناس معرفی شد.⁵ مصاحبه‌هایی که با شرکای زندگی قبلی به منظور تحقیقات قتل انجام شد، نشان داد که او رفتارهای کنترلگری اجبارگونه و پارانوئید از خود نشان می‌داد. شرکای او نسبت به سلامت روان او ابراز نگرانی کردند.

بیانیه خانواده

9. بیانیه خانواده آقای مولایی که توسط خانواده آقای مولایی به دادگاه ارائه شد، نشان می‌دهد که او یک پدر، یک پسر و یک دوست است. او مردی با وقار و سربلند بود. او خودش را وقف ساختن زندگی بهتر برای دخترش رزا کرده بود. در بیانیه آمده است که رزا مملو از خشم ناشی از «از دست دادن ناگهانی و معماگونه پدرش» است. والدین او نیز «با سردرگمی فقدانی مواجه شدند که هم عجیب و هم دلخراش است».
10. آقای مولایی قبل از سفر به استرالیا با قایق، در کره جنوبی کار می‌کرد. او با ورود به استرالیا، درگیر سیستم مهاجرتی ما شد. در این بیانیه آمده است که او می‌جنگید تا بخشی از جامعه‌ای با ارزش‌های دموکراتیک باشد، زندگی که در ایران وجود نداشت. او بودن در استرالیا را دوست داشت، یک زندگی ساخت و این کشور را خانه خود کرد.
11. خانواده آقای مولایی گفتند که ایشان با وجود مسافت، به پدر و مادرش نزدیک بودند. او زندگی خود در کشور جدیدش را با «سرگرم کردن آنها از طریق بیان داستان‌هایی از دوستان، کار و ماجراجویی‌هایش» به اشتراک می‌گذاشت. آنها تأثیر فاصله را احساس نمی‌کردند و همیشه از آن داستان‌ها لذت می‌بردند. هر روز، جای او خالی است.»
12. خانواده آقای مولایی گفتند فرصتی برای خداحافظی نداشتند. رزا بدون پدر، بدون اینکه بفهمد چرا زندگی او به این شکل به پایان رسیده است و عصبانیت از این که می‌داند دیگر او را نخواهد دید، رها شده است تا راه زندگی اش را پیدا کند.
13. در این بیانیه آمده است که دادگاه باید جزئیات آخرین لحظه، در تاریک‌ترین روز مردی که «زندگی او وقف عزت و شرافت بوده است را بررسی کند. لطفاً فراموش نکنید که چگونه مردی بود. خانواده‌اش هرگز او را فراموش نخواهند کرد.»
14. من به خانواده و دوستان آقای مولایی تسلیت می‌گویم.

وقایع منجر به مرگ

¹ پیوست A5، صفحه 63
² پیوست A5، صفحه 63
³ پیوست A5، صفحه 4؛ پیوست B1-5
⁴ پیوست A5، صفحه 64؛ پیوست C19-C23
⁵ پیوست A5، صفحه 65

حادثه خشونت خانگی - تهدید به سوزاندن

15. عصر روز 5 آوریل 2020، آقای مولایی و خانم پویان با هم دعوا کردند. خانم پویان متهم به خیانت شد. آقای مولایی به او گفت که در حال پایان دادن به رابطه و بازگشت به South Australia است.⁶
16. صبح زود روز بعد، حدود ساعت 5:00 صبح، خانم پویان در حالی که آقای مولایی خواب بود، برای کار به گولد کوست رفت.⁷ ساعت 2:00 بعدازظهر، در حالی که او از سر کار به خانه باز می‌گشت، آقای مولایی با او تماس گرفت و از او خواست که برایش یک نوشیدنی انرژیزا بخرد. این اولین تماس آنها در آن روز بود.
17. وقتی خانم پویان حوالی ساعت 2:40 بعد از ظهر به خانه رسید، آقای مولایی از او خواست که در اتاق خواب با او صحبت کند.⁸ از او خواست که به قرآن سوگند یاد کند که به او خیانت نکرده است. سپس خانم پویان گفت که می‌خواهد به این رابطه پایان دهد. او (خانم پویان) از او خواست به محض برداشته شدن محدودیت‌های مربوط به COVID-19 در سفرهای بین‌ایالتی، آنجا را ترک کند.⁹
18. آقای مولایی در اتاق خواب ماند و خانم پویان عصر را در اتاق نشیمن گذراند. حدود ساعت 8:45 شب، او به رختخواب رفت. سپس آقای مولایی پرسید که آیا در این مورد تجدید نظر خواهد کرد و آیا آنها می‌توانند رابطه را ادامه دهند؟¹⁰ وقتی او نپذیرفت، آقای مولایی در اتاق خواب را قفل کرد و روی خودش، خانم پویان، فرش و تخت بنزین ریخت.¹¹
19. خانم پویان به یاد می‌آورد که او به وضوح عصبانی بود و فندکی در دست داشت. آقای مولایی گفت "لان هر دوتایمان را آتش می‌زنم".¹² قبل از اینکه او دست چپ خانم پویان را بگیرد، خانم پویان التماس می‌کرد که آرام شود.¹³ او توانست از چنگ او فرار کند و اتاق خواب را ترک کند. او از پسر بزرگش کمک خواست که در ساعت 9:01 با برای کمک با شماره 000 تماس گرفت.¹⁴
20. علی‌رغم تلاش‌ها برای متوقف کردن او، آقای مولایی با Holden Astra نقره‌ای خود از محل اقامت گریخت.¹⁵ خانم پویان به یاد می‌آورد که وقتی رفت، آغشته به بنزین بود، اما او ظرف بنزین با خود نبرد.¹⁶
21. در ساعت 9:03 بعد از ظهر، مرکز ارتباطات پلیس یک اعلامیه را برای همه خدمه در دسترس برای حضور در Wynne Street, Sunnybank به عنوان اولویت اول ارسال کرد. خدمه منطقه South Brisbane SC441، متشکل از افسر ارشد Godsall¹⁷ و افسر Keating¹⁸ و SC402، متشکل از افسر ارشد Chand و افسر Sandhu، پاسخ دادند و به آدرس مراجعه کردند. افسر Sandhu، یک افسر سال اول با تنها چهار ماه خدمت بود و افسر ارشد Chand افسر آموزش میدانی او بود.
22. خدمات آمبولانس کوئینزلند (QAS) و آتش‌نشانی و خدمات اورژانس کوئینزلند (QFES) نیز مطلع شده و حضور داشتند.
23. SC402 و SC441 در ساعت 09:09 شب به محل اقامت رسیدند. به گفته افسر ارشد Godsall¹⁹ و افسر Keating، خانم پویان و همچنین اتاق خواب، به شدت بوی بنزین می‌دادند. QFES حضور یافت و تشخیص داد که حداقل ذرات قابل اشتعال در اتاق خواب وجود دارد.¹⁹ آنها همچنین خانم پویان را ارزیابی کردند و به او توصیه کردند که لباسی را که پوشیده است در بیاورد.²⁰

⁶ پیوست B1

⁷ پیوست B1، [34]

⁸ پیوست B1، [40]

⁹ پیوست B1، [50] – [47]

¹⁰ پیوست B1، [53]

¹¹ پیوست B1، [55]

¹² پیوست B1، [57]

¹³ پیوست B1، [58]

¹⁴ پیوست B1، [65] – [62]

¹⁵ پیوست B1، [65]

¹⁶ پیوست B1، [66]

¹⁷ پیوست B5

¹⁸ پیوست B6

¹⁹ پیوست B5، [8]

²⁰ پیوست B5، [9]

24. حوالی ساعت 9:10 شب، در حالی که پلیس با خانم پویان با کمک پسرش به عنوان مترجم صحبت می‌کرد، آقای مولایی با او تماس گرفت و به زبان کردی با او گفت و گو کرد که توسط اعضای خانواده به انگلیسی برای پلیس ترجمه شد.²¹ افسر Keating در جریان تحقیق گفت که شروع به کار بر روی یک اعلامیه حفاظت پلیس در دستگاه QLite خود کرده است.
25. در ساعت 9:13 شب، افسر ارشد Chand این پیام را در رادیو پخش کرد:
- فرد مورد نظر در حال تماس تلفنی با ساکن این آدرس است و اظهار داشته که به اینجا می‌آید و روی خود بنزین می‌ریزد و جلوی پلیس آتش می‌زند.
- در حال حاضر، او در تماس تلفنی با ما است، او گفت می‌خواهد جلوی پلیس خودش را به آتش بکشد.²²
26. افسر ارشد Godsall به یاد می‌آورد که از خانم پویان و پسرش پرسیده بود که آیا آقای مولایی انگلیسی بلد است و صحبت می‌کند. آنها گفتند که او به اندازه کافی خوب می‌فهمد که بتواند از دستور پلیس پیروی کند. این موضوع به ارتباطات پلیس مخابره شد.²³
27. در ساعت 9:13 شب، هماهنگ کننده ارتباطات QPS از Polair برای کمک به مکان‌یابی خودروی آقای مولایی درخواست کمک کرد. Polair اعلام کرد که در حالت آماده به کار خواهند بود و در انتظار نتیجه مثلث‌بندی پیشنهادی تلفن همراه او هستند.
28. افسر ارشد Chand و افسر Sandhu آدرس را ترک کردند تا برای یافتن خودروی آقای مولایی گشت‌زنی کنند.
29. در ساعت 9:19 شب، دو خدمه از تیم واکنش ایمنی عمومی (ZE790 و PSRT) ZE791 نیز برای شروع گشت زنی به محل رفتند. هر دو تیم می‌دانستند که آقای مولایی خودش را به بنزین آغشته کرده و تهدید کرده است خودش را آتش می‌زند.
30. خدمه ZE791 متشکل از افسر ارشد Shepherd (رهبر تیم)²⁴ و افسر ارشد Cheung-Fook بود.²⁵ آنها در حین حرکت، نقشه‌ای طراحی کردند که اگر با خودروی آقای مولایی برخورد کردند، وسیله نقلیه را "هل دهند" تا آن را مهار کنند.²⁶ یک پرتابگر تک تیر 40 میلی متری که گلوله‌های مرگبار کمتری شلیک می‌کند و همچنین یک سپر ضد شورش در اختیار آنها بود. پیشنهاد شده بود که افسر ارشد Cheung-fook با یک سپر ضد شورش در جلو باشد و افسر ارشد Shepherd با تفنگ در کنار باشد.²⁷ آنها قصد داشتند با آقای مولایی مذاکره کنند.²⁸
31. PSRT خدمه ZE790 متشکل از افسر Holt (رهبر تیم)،²⁹ افسر ارشد Collander³⁰ و افسر ارشد Manson بود.³¹ طرح مورد بحث تیم این بود که آقای مولایی نتواند خودش را به آتش بکشد. تصمیم گرفته شد که افسر ارشد Manson یک کپسول آتش نشانی در اختیار داشته باشد که هنگام حرکت در دستش باشد.³²
32. افسر ارشد Holt به تیم خود دستور داد که «حتی اگر او آتش نگرفته بود، اما آغشته به بنزین بود، ما همچنان باید کپسول آتش نشانی را به کار بگیریم و سعی کنیم قبل از اینکه بتواند خودش را آتش بزند، فندک را از دست او خارج کنیم».³³ افسر ارشد Holt قرار بود به یک سلاح اکشن پمپ گردان 40 میلی متری مسلح شود که گلوله‌های کمتر مرگبار شلیک می‌کرد. افسر ارشد Collander طرح تدوین شده توسط افسر ارشد Holt را به عنوان مهار خودروی آقای مولایی و مذاکره برای تسلیم توصیف کرد.

²¹ پیوست B6، [19]؛ [21]

²² پیوست B5، [12]؛ پیوست B6، [21]

²³ پیوست B5، [14]

²⁴ پیوست B27

²⁵ پیوست B28

²⁶ پیوست B27، صفحه 43

²⁷ پیوست B27، صفحه 43

²⁸ پیوست B27، صفحه 44

²⁹ پیوست B30

³⁰ پیوست B26

³¹ پیوست B29

³² پیوست B29، صفحه 8

³³ پیوست B30، صفحه 66

33. حین حرکت، افسر ارشد Shepherd و افسر ارشد Holt در مورد نحوه برخورد با آقای مولایی گفتگو کردند.³⁴ افسر ارشد Shepherd ارشدترین افسر در دو خودروی PSRT بود.³⁵ تأیید شد که خدمه ZE790 سپر ضد شورش و گزینه‌های کمتر کشنده را نیز آماده و برنامه‌ریزی کرده بودند که مثلی ایجاد کرده و به موقعیتی برای مذاکره حرکت کنند. آنها توضیح دادند که «بهترین و امن‌ترین گزینه تنش‌زدایی و چیزی کمتر از رویارویی مرگبار بود».³⁶

34. دستور مراقبت (BOLO) برای خدمه پخش شد تا مراقب خودروی آقای مولایی باشند. سایر خدمه در منطقه شروع به گشت‌زنی کردند.

35. در ساعت 9:24 بعد از ظهر، هماهنگ کننده ارتباطات اعلام کرد که نتایج مثلث‌سازی بر اساس شماره موبایل آقای مولایی مشخص کرده است که «او در سمت شمال شرقی تقاطع جاده Pinelands و Beenleigh است».

36. در ساعت 9:37 بعد از ظهر، SC441 مخابره کرد که، «به روز رسانی: فرد موردنظر تهدید کرده است که اگر نزدیک شویم خود را به آتش خواهد کشید». سپس یک پیام دیگر پخش شد که بیان می‌کرد: «او ظاهراً می‌تواند چند خودروی پلیس را در نزدیکی ببیند، بنابراین پلیس با گشت‌های متحرک لطفاً بیشتر مراقب باشید».

خودروی آقای مولایی شناسایی شد

37. افسر ارشد Chand و افسر Sandhu در حال گشت‌زنی بودند و به مسیر ورودی به پارکینگ مک دونالدز در Times Square, 240 McCullough Street, Sunnybank نزدیک شدند. خودروی آقای مولایی را در پارکینگ دیدند.

38. فیلم‌های دوربین مداربسته مک‌دونالدز، آقای مولایی را نشان می‌داد که از ورودی خیابان Zamia به داخل پارکینگ می‌رود و وسیله نقلیه‌اش را به سمت عقب به داخل فضای ماشین می‌برد. ون iLoad که توسط افسر ساندو هدایت می‌شد در حال ورود به پارکینگ در فیلم ضبط شد.

39. افسر ارشد Chand می‌توانست ببیند که آقای مولایی در صندلی جلوی راننده خودروی پارک شده نشسته و شیشه‌هایش را بسته است. افسر Sandhu خودروی پلیس را در مقابل خودروی آقای مولایی پارک کرد.

40. در ساعت 21:45، خانم پویان تماسی از آقای مولایی دریافت که به او گفت که دو ماشین پلیس در اطراف او هستند و «اگر آنها کاری کنند، من خودم و افسران پلیس را به آتش می‌کشم».³⁷ او (خانم پویان) به او گفت که این کار را نکن زیرا پلیس برای کمک به او آمده است. او گفت: «نه، من می‌دانم پلیس با من چه خواهد کرد. تو دیگر من را نخواهی دید، خدا حافظ».³⁸

41. مامور Manning Jones آن شب افسر وظیفه منطقه Centenary (DDO) بود و به یاد می‌آورد که حوالی ساعت 9:30 شب به او در مورد این حادثه اطلاع داده شد.³⁹ او خواستار مثلث‌سازی یک شماره دیگر شد که توسط آقای مولایی برای تماس با خانم پویان استفاده می‌شد.

42. در ساعت 9:59:49، یک مخابره رادیویی توسط SC402 انجام شد که تأیید می‌کرد آقای مولایی را پیدا کرده‌اند:

«ما در حال حاضر با فرد موردنظر هستیم. او خودش را حبس کرده است. او سوخت دارد و تهدید به کشتن خود می‌کند. ما در اینجا نیاز فوری به QAS داریم».

43. SC402 متعاقباً موقعیت خود را مخابره کرد. مامور Manning Jones گفت گفتگوی رادیویی آن شب «بسیار شلوغ» بود. با این حال، او به بخش ارتباطات توصیه کرد با توجه به تهدیدات آقای مولایی با QFES تماس بگیرند.⁴⁰

44. پس از اینکه افسر ارشد Chand به درب سمت راننده Astra نزدیک شد، آقای مولایی دستان خود را بالا برد. در یک دست ظرف سوخت و در دست دیگرش فنک بود. آقای مولایی به افسر ارشد Chand گفت که عقب برود و هر دو افسر از خودرو فاصله گرفتند. افسر Sandhu به یاد می‌آورد که آقای مولایی گفت: «تو نمی‌توانی مرا نجات دهی».

³⁴ پیوست B27، صفحه 44 و 45

³⁵ پیوست B27، صفحه 45 & 46

³⁶ پیوست B27، صفحه 44 و 45

³⁷ پیوست B1، [69]

³⁸ پیوست B1، [71]

³⁹ پیوست B23، [4] و [5]

⁴⁰ پیوست B23، [8]

45. افسر ارشد Chand و افسر Sandhu از QFES، QAS و QPS درخواست کمک فوری در محل کردند. آنها از خدمه پاسخگو خواستند که بدون چراغ و آژیر حرکت کنند زیرا اوضاع در حال حاضر آرام است.
46. افسر ارشد Chand تلاش کرد تا از سمت راننده خودرو با آقای مولایی مذاکره کند. در این مدت آقای مولایی پنجره را به طور متناوب بالا و پایین می‌کرد.
47. گزارش شده است که آقای مولایی کلماتی به این مضمون گفت: «من همه چیز را از دست دادم. من همسر را از دست دادم، دخترم را از دست دادم و دولت پولم را گرفته و من خودم را می‌کشم».
48. افسر ارشد Chand سعی کرد با گفتن حرفهایی از قبیل «رفیق، من اینجا هستم تا به شما کمک کنم.» من نقطه تماس شما هستم. من به صحبت با شما ادامه خواهم داد. هیچ کس به شما دست نخواهد زد، من خودم مستقیم با شما صحبت خواهم کرد» به آقای مولایی اطمینان خاطر دهد.
49. در این زمان، افسران PSRT در یک کاروان به محل حادثه می‌رفتند و ZE791 وسیله نقلیه پیشرو بود. آنها از طریق رادیوی پلیس در مک دونالد ساعت 10:03:07 شب مرخص شدند. افسر ارشد Holt، افسر ارشد Collander، افسر ارشد Manson، و افسر ارشد Cheung-Fook دوربین‌های لباس خود را فعال کردند، که مابقی حادثه را در حین رویداد ثبت کرد.
50. خودروی ZE791 در سمت چپ خودروی آقای مولایی قرار داشت تا کمی مهار ایجاد کند. این وسیله نقلیه مجهز به دوربین داشبوردی بود که صدا را ضبط نمی‌کرد اما از حادثه عکسبرداری می‌کرد. افسر ارشد Cheung-fook یک باتوم را از عقب وسیله نقلیه خود بیرون آورد⁴¹ و افسر ارشد Shepherd به سمت عقب خودروی آقای مولایی حرکت کرد تا او بتواند در موقعیت قرار بگیرد و «در مذاکرات کمک کند».⁴²
51. دوربین داشبورد ZE791 صحنه را هنگام ورود خودرو نشان داد. افسر ارشد Chand را می‌توان دید که در حال تلاش برای تعامل با آقای مولایی در حالی است که او در وسیله نقلیه خود نشسته است. افسر Sandhu در کنار افسر ارشد Chand ایستاده است.
52. افسر ارشد Chand در تحقیق گفت که در تلاش بود برای مذاکره با آقای مولایی وقت بخرد که او (آقای مولایی) به او گفت به عقب برود. با این حال، او همچنین «می‌دانست که اتفاقی خواهد افتاد». افسر ارشد Chand گفت که او در آن زمان فرماندهی می‌کرد و فکر می‌کرد که آقای مولایی برای ادامه مذاکرات مهار شده است.
53. خودروی ZE790 متعلق به PSRT ابتدا در خیابان Zamia، در Sunnybank در عقب خودروی آقای مولایی پارک شده بود و تا حدی از دید پنهان بود. افسر ارشد Holt به افسر ارشد Collander دستور داد تا در این مکان توقف کند تا بتوانند از عقب به خودرو نزدیک شوند و وضعیت را ارزیابی کنند.⁴³
54. پشت خودروهای PSRT یک خودروی شاسی بلند با علامت پلیس بود که افسر ارشد Day و افسر ارشد Wilcox در آن بودند،⁴⁴ آنها موضوع و مکان را از رادیو شنیدند.⁴⁵ آنها وسیله نقلیه خود را در Zamia Street، رو به سمت غرب، روبروی خودروی آقای مولایی که تقریباً 20 متر با آن فاصله داشت، پارک کردند.⁴⁶ افسران از وسایل نقلیه خود خارج شدند و قبل از نزدیک شدن به افسران Chand و Sandhu، یک کپسول آتش‌نشانی را از صندوق عقب بیرون آوردند.⁴⁷
55. در حالی که افسر ارشد Chand با آقای مولایی صحبت می‌کرد افسران PSRT از وسایل نقلیه خود خارج شدند. افسر ارشد Holt و افسر Manson در عقب خودروی آقای مولایی قرار داشتند که تا حدی توسط بوته‌ها مسدود شده بود.⁴⁸

41 پیوست B28، صفحه 17

42 پیوست B27، صفحه 19

43 پیوست B30، صفحه 21

44 پیوست B8

45 پیوست B7، [12] – [9]

46 پیوست B7، [20]

47 پیوست B7، [20]

48 پیوست B29، صفحه 12-15

56. ZE791 از طریق رادیو به ZE790 تقاضای تغییر دادن موقعیت خودرویشان را مخابره کرد تا بتوانند بیشتر آقای مولایی را مهار کرده و شانس فرار کردن او از خودرویش را کمتر کنند. در نتیجه، SC Collander وسیله نقلیه را به سمت ورودی پارکینگ در خیابان Zamia هدایت کرد.

57. وقتی از افسر ارشد Shepherd پرسیده شد که چرا خودروی PSRT در معرض دید نماند، افسر ارشد Shepherd گفت که اگر او صحنه را ترک می‌کرد خطری که توسط آقای مولایی ایجاد شده بود زیاد بود، زیرا ظرف سوختی در اختیار داشت که می‌توانست به عنوان سلاح از آن استفاده کند. مأموریت این بود که آقای مولایی را از استفاده از سوخت برای احتراق خود یا دیگران - با جدا کردن و مهار کردن- بازدارد. این امر مستلزم مهار شدید خودروی آقای مولایی بود. افسر ارشد Shepherd گفت که این یک عملیات برنامه‌ریزی شده نبوده و باید در مسیر حضور در صحنه، نقش‌هایی تعریف می‌شد.

58. افسر ارشد Cheung-Fook با اشاره به فرصت‌های از دست رفته برای توقف خودروی متخلف در تراژدی خیابان Bourke در ژانویه 2017، گفت که اگر آقای مولایی در وسیله نقلیه خود می‌ماند، آن تبدیل به یک دژ متحرک می‌شد و خطر آسیب را نمی‌توانستیم کاهش دهیم. هدف از مهار این بود که بستری امن برای مذاکره فراهم کند. او گفت که افسران PSRT برای «تقویت‌کننده نیرو» حضور داشتند.

59. در این هنگام، آقای مولایی در حال حرکت در داخل خودروی خود مشاهده شد. افسر ارشد Chand گفت، «نه، نه، نه، نه این کار را نکن». آقای مولایی متعاقباً ظرفی را بلند کرد و روی سر و بدنش بنزین ریخت و به نظر می‌رسید که فندکی را روشن کرد که مشتعل نشد.⁴⁹ سپس افسر ارشد Chand سعی کرد با باتوم شیشه راننده را بشکند، اما موفق نشد. افسر ارشد Chand متوجه شد که آقای مولایی با دیدن تیم‌های PSRT «تمرکز خود را از دست داده» و گفت «من خود را می‌کشم».

60. افسر ارشد Holt و افسر ارشد Manson زمانی که آقای مولایی خود را با سوخت آغشته کرد، جلو رفتند و افسر ارشد Chand با باتوم به پنجره زد. خودرو و آقای مولایی در آتش می‌سوختند و افسر ارشد Holt از ابزاری برای شکستن شیشه راننده استفاده کرد. خودرو و آقای مولایی در این زمان در آتش می‌سوختند. افسر Manson یک کپسول آتش‌نشانی را به کار گرفت. با این حال، فقط برای چند ثانیه بازدارنده بود و آتش خاموش نشد.⁵⁰

61. افسر ارشد Collander در حال راندن وسیله نقلیه ZE790 متعلق به PSRT به داخل پارکینگ بود و از اتفاقات رخ داده آگاه نبود. او دید که خودروی آقای مولایی کاملاً روشن است.⁵¹

62. افسر ارشد Holt در تلاش برای یافتن یک کپسول آتش‌نشانی دیگر به سمت ZE790 رفت. افسر ارشد Chand سعی کرد درب سمت راننده آقای مولایی را باز کند، اما شعله‌های آتش، او را عقب راندند. شدت فزاینده آتش، مأموران را مجبور کرد تا از خودرو فاصله بگیرند.

⁴⁹ پیوست B27، صفحه 22؛ پیوست B29، صفحه 15-13؛ پیوست B30، صفحه 23

⁵⁰ پیوست B29، صفحه 20-17

⁵¹ پیوست B26، صفحه 25-27

آقای مولایی از خودرو خارج می‌شود

63. تقریباً 15 ثانیه بعد از آتش گرفتن خودرو، آقای مولایی در راننده را باز کرد. او در آتش می‌سوخت و بلافاصله به سمت پلیس دوید.
64. وقوع اتفاقات پس از خروج آقای مولایی از خودرو، در عرض 10 ثانیه روی دادند. آنها در فیلم دوربین بدنی افسر ارشد Holt، افسر ارشد Collander، افسر ارشد Manson و افسر ارشد Cheung-Fook ضبط شدند. یک شهروند نیز از راه دور این برخورد را ضبط کرد. فیلم دوربین مداربسته مک دونالدز، بعد از بازیابی، مشکل داشت و قابل برگشت نبود.
65. افسر ارشد Chand گفت که او به یاد می‌آورد که آقای مولایی به سمت او می‌دوید. او از نظر تاکتیکی خود را تغییر مکان داد زیرا معتقد بود که آقای مولایی قصد داشت او را بگیرد. آقای مولایی به دنبال او می‌دوید و او نگران جان خود بود. او گفت که اگر تحت تاثیر این حادثه قرار گرفته بود در عمل خود تغییری نمیداد و تمام تلاش خود را برای حل این حادثه انجام داده است.
66. فیلم دوربین بدنی افسر ارشد Holt نشان می‌دهد که آقای مولایی با عجله از وسیله نقلیه خود به سمت افسر ارشد Holt حرکت می‌کند و او به سمت عقب می‌رود. او بارها از آقای مولایی خواست که «برگردد».⁵² او به دویدن به سمت افسر ارشد Holt ادامه داد و او سلاحی کمتر از 40 میلی‌متری کشنده حاوی شش گلوله، شبیه به گلوله‌های لوبیا به کار برد.⁵³ افسر ارشد Holt مشاهده کرد که آقای مولایی تغییر جهت می‌دهد و ظاهراً به سمت افسر دیگری می‌دود.⁵⁴
67. به گفته افسر ارشد Manson زمانی که آقای مولایی با دستانش به او حمله می‌کرد، کاملاً شعله‌ور بود.⁵⁵ او کمی لیز خورد، چرخید و به سمت عقب خودروی PSRT دوید. او افسر ارشد Holt را دید که گلوله‌های اسفنجی را شلیک کرد، که به نظر می‌رسید به آقای مولایی برخورد کرد.
68. افسر Sandhu مشاهده کرد که آقای مولایی از خودرو خارج شد و شروع به دویدن کرد. او خیلی به افسر ارشد Chand نزدیک شد. سپس آقای مولایی به سمت او و یکی دیگر از افسران PSRT دوید.
69. افسر ارشد Shepherd گفت که آقای مولایی را مشاهده کرده است که قبل از آنکه به عقب به سمت او بدود، در نزدیکی پیاده رو به سمت افسران دیگر در حال دویدن است. او همچنین یک سلاح 40 میلی‌متری کمتر کشنده حاوی یک گلوله را به کار گرفت.⁵⁶
70. افسر ارشد Cheung-fook مشاهده کرد که افسر ارشد Shepherd سلاح کمتر کشنده را به کار گرفت و توضیح داد که گلوله‌ها از آقای مولایی کمانه می‌کردند. به نظر او، آقای مولایی «در جستجوی نزدیک‌ترین فرد» بود.⁵⁷ سپس با یک سپر ضد شورش به سمت جلو حرکت کرد تا از آن به عنوان محافظ استفاده کند و قصد داشت آقای مولایی را به زمین بزند.
71. هر یک از افسران اظهار داشتند که گلوله‌های کمتر مرگبار در جلوگیری از فرار آقای مولایی به سمت پلیس در حالی که در حال شعله‌ور بود، بی‌اثر بودند.
72. افسر ارشد Collander از سمت راننده ZE790 خارج شد و با شنیدن درخواست کپسول آتش نشانی از افسر ارشد Holt، به سمت عقب خودرو حرکت کرد. او نتوانست یک کپسول آتش نشانی پیدا کند. همانطور که او به سمت جلوی خودرو حرکت کرد، بین افسر ارشد Holt و افسر ارشد Cheung-Fook قرار گرفت. او گفت که دیدم آقای مولایی خودش را از خودرو بیرون کشیده و به سمت پلیس دویده است.⁵⁸
73. افسر ارشد Collander مشاهده کرد که استفاده از گزینه سلاح کمتر کشنده، در جلوگیری از توانایی آقای مولایی برای دویدن به سمت افسران پلیس با «بازوهای بغل خرسی» بی‌تاثیر بوده است.⁵⁹ او دید که آقای مولایی به سمت افسر ارشد Chand در حال دویدن بود در حالی که آن افسر سعی داشت از او فرار کند.

52 پیوست B30، صفحه 24 و 25

53 پیوست B30، صفحه 25

54 پیوست B30، صفحه 38

55 پیوست B29

56 پیوست B27، صفحه 35-37

57 پیوست B28، صفحه 24

58 پیوست B26، صفحه 45

59 پیوست B26، صفحه 27-29؛ 45؛ 51

74. وقتی افسر ارشد Chand تغییر جهت داد و به سمت خودرو برگشت، به نظر می‌رسید آقای مولایی او را دنبال می‌کند. در این زمان، افسر ارشد Collander به سمت جلوی خودروی PSRT حرکت کرد و توانست آقای مولایی را در حال دویدن به سمت تعدادی از افسران ببیند. او شنیده بود که مأموران به آقای مولایی دستور داده بودند تا «رو زمین دراز بکشد».⁶⁰
75. برداشت افسر ارشد Collander این بود که افسران پلیس در معرض خطر فوری مرگ یا آسیب شدید بدنی قرار دارند. او در ساعت 10:04:13 شب چهار گلوله از سلاح خدمتی خود شلیک کرد.⁶¹ او به یاد نمی‌آورد که قبل از شلیک سلاح خود چیزی گفته باشد. با این حال، این با فیلم دوربین بدنی او همخوانی ندارد که نشان می‌دهد که دستور «روی زمین» داده است.⁶²
76. دو گلوله با آقای مولایی برخورد کرد و به زمین افتاد. پلیس متعاقباً دو کیسول آتش نشانی را مستقیماً برای خاموش کردن شعله‌های آتش آقای مولایی بکار برد و او را از خودروی در حال سوختن دور کرد.
77. سرویس آمبولانس کوئینزلند (QAS) بلافاصله در صحنه حاضر شد و در Zamia Street به صحنه رفت. QAS به محض اطفاء حریق کمک‌های اولیه را ارائه کرد.
78. QFES تقریباً 90 ثانیه پس از اصابت گلوله به آقای مولایی به صحنه رسید و خودروی در حال سوختن را خاموش کرد. آقای مولایی به بیمارستان منتقل شد، اما QAS در Mains Road Sunnybank توقف کرد تا با واحد واکنش با دقت بالا و مدیر پزشکی QAS، دکتر Rashford ملاقات کند. مداخله و درمان گسترده آقای مولایی در حین حرکت ادامه یافت تا اینکه در تاریخ 6 آوریل 2020 در ساعت 22:37 فوت وی اعلام شد.
79. دکتر Rashford از وقایع آن عصر و مداخله اورژانسی خود با توجه به پیش‌آگهی وخیم برای آقای مولایی و جراحات تهدید کننده زندگی متعددی که متحمل شده بود گزارش مفصلی ارائه کرد.⁶³
80. بیانیه‌ای از امدادگران مراقبت حاد، خانم Blackman و خانم McKenzie گرفته شد. آنها به طور تصادفی در صحنه بودند که وقایع رخ داد و پلیس را دیدند که با آقای مولایی درگیر شد. ACP Blackman گفت که وقتی دید که او در شعله‌های آتش گرفتار شده است تجهیزاتی را برای پاسخ آماده کرد.
81. خانم Blackman اظهار داشت که او برای پلیس «می‌ترسید» زیرا به نظر می‌رسید که آقای مولایی عمداً در حالی که فریاد می‌زد و در آتش بود، به سمت آنها می‌دوید.⁶⁴ کمک‌های فوری توسط ACP Blackman و خانم McKenzie پس از خاموش شدن آتش ارائه شد.⁶⁵ خانم McKenzie توصیف کرد که آقای مولایی را «در حال تلاش برای حمله به پلیس» دیده است. او گفت که او به افسران مختلف حمله می‌کرد.⁶⁶
82. بلافاصله صحنه جرم اعلام شد و یک گزارش وقایع ثبت شد. یک صحنه جنایت ثانویه در Wynne Street, Sunnybank در ساعت 11:20 شب اعلام شد.
83. پس از خروج آقای مولایی از منطقه، DDO، گروه‌بان Manning Jones، در صحنه حاضر شد.⁶⁷ او به یاد می‌آورد که با افسر ارشد Chand صحبت می‌کرد که مضطرب به نظر می‌رسید. افسر ارشد Chand به او گفت:⁶⁸
- وقتی آقای مولایی را پیدا کرد، او را با یک بطری حاوی مایع و یک فنک دیده است که مدام جرقه می‌زد.
 - او با آقای مولایی به زبان دیگری گفتگو کرد.
 - بوی شدید دود از داخل خودرو می‌آمد.

⁶⁰ پیوست B26، صفحه 62 و 63

⁶¹ پیوست B26، صفحه 65 (و سرتاسر سند)

⁶² پیوست B26، صفحه 61 و 62؛ پیوست A5، صفحه 81

⁶³ پیوست D1 و D2

⁶⁴ پیوست B15، [17] و [18]

⁶⁵ پیوست B15، [23]

⁶⁶ پیوست B16، [16]

⁶⁷ پیوست B23، [15]

⁶⁸ پیوست B23، [20] به بعد

- زمانی که آقای مولایی خود را به آتش کشید، او سعی کرد درب عقب را برای کمک باز کند اما در قفل بود.
- آقای مولایی که به طور کامل شعله‌ور بود، ناگهان در جلو را باز کرد و باعث شد افسر ارشد Chand به عقب برود. او احساس کرد که آقای مولایی در تلاش است تا او را بگیرد.

نتایج کالبد شکافی

84. آسیب شناسان پزشکی قانونی، دکتر Li Ma و دکتر Beng Ong در 14 می 2021، یک معاینه کامل داخلی و خارجی پس از مرگ انجام دادند.⁶⁹ فیلم دوربین بدنی مربوطه از این حادثه در اختیار آنها قرار گرفت.
85. معاینه پس از مرگ سوختگی با ضخامت نسبی گسترده را نشان داد که حدود 78 درصد از سطح بدن را در بر می گرفت. در حالی که سه رد زخم از پرتابه‌ها شناسایی شد، تنها دو رد زخم در طول معاینه بازبایی شد که یکی وارد بازوی راست و وسط پشت سمت راست شده بود. زخم‌های گلوله ویژگی‌هایی را نشان می‌دهد که با زخم‌های گلوله از فاصله دور مطابقت دارند.
86. سی تی اسکن پس از مرگ، آمبولی هوا را در قلب راست، تنه ریوی و شاخه‌های اصلی آن نشان داد که نشانگر گرفتگی رگ ناشی از وجود پرتابه در شریان ریوی چپ است. خونریزی اندک داخل شکمی مربوط به پارگی کبد بود که نشان می‌دهد مرگ احتمالاً سریع بوده و نشان دهنده فروپاشی حاد گردش خون است.
87. آزمایش سم شناسی انجام شده بر روی نمونه خون، ادرار و زجاجیه پس از مرگ، متیل آمفتامین را در سطح غیر سمی در خون و ادرار شناسایی کرد. آمفتامین در سطح غیر سمی، بوپرنورفین (افیونی که برای درمان اختلالات مصرف افیون استفاده می‌شود) در سطوح غیر سمی در خون و ادرار و کدئین.
88. معاینات پس از کالبدشکافی، جراحات تهدید کننده زندگی در قفسه سینه غیر از جراحات گلوله نشان داد. مکانیسم مرگ، فروپاشی تنفسی و گردش خون بود. علاوه بر این، خاطر نشان شد که صدمات تهدید کننده زندگی در قفسه سینه غیر از جراحات گلوله نیز به 78 درصد از سطح بدن وارد شده است. چنین صدماتی می‌تواند به سرعت باعث شوک شود و فرد متوفی را بیشتر در معرض آسیب‌های مرگبار ناشی از شلیک گلوله قرار دهد. به این ترتیب، آسیب‌های حرارتی عامل مهمی در علت مرگ در نظر گرفته شد.
89. جراحات گلوله در قفسه سینه و سایر شرایط مهم که به عنوان جراحات حرارتی ذکر گردیدند علت مرگ تشخیص داده شدند.

یافته‌های تحقیق

90. پلیس از واحد تحقیقات داخلی، فرماندهی استانداردهای اخلاقی (ESC) در محل حادثه حضور یافت که در آنجا صحنه پردازش شد و یک بررسی گسترده پزشکی قانونی و پرتابه‌شناسی انجام گردید.
91. معاینه پزشکی قانونی از هر دو صحنه جنایت یعنی پارکینگ و محل سکونت خانم پویان و همچنین اسلحه ماموران انجام شد.⁷⁰ عکس‌هایی از صحنه‌ها و همچنین فوت آقای مولایی در پشت آمبولانس تهیه شده است. تست پزشکی قانونی لباس آقای مولایی، وجود باقیمانده بنزین را تایید کرد.⁷¹ در حین بررسی محل سکونت، ماموران پزشکی قانونی متوجه شدند که بوی شدید بنزین در اتاق خواب مشهود است، اما هیچ اثر آشکاری از لکه‌دار شدن فرش یا ملافه وجود نداشت.⁷²

⁶⁹ پیوست A4

⁷⁰ پیوست C1، C2، C3 و C4؛ پیوست گزارش وقایع C7 و C8

⁷¹ پیوست C4، صفحه 3

⁷² پیوست A5، صفحه 12

92. مصاحبه‌ها، اظهارات، پیوست‌ها و سوابق گسترده به عنوان بخشی از تحقیقات قتل به دست آمد و در خلاصه تحقیق گنجانده شد. گزارش مفصل قتل در 15 نوامبر 2021 ارائه شد.⁷³ یک کپی صوتی از پیام‌های رادیویی و ضبط‌های CAD در گزارش قتل ارائه شده است.

93. سوابق به دست آمده حاکی از آن است که آقای مولایی اخیراً به دنبال مداخله‌ای برای افسردگی یا اضطراب نبوده است. او قبلاً هیچ گونه قصد آسیب رساندن به خود یا داشتن افکار خودکشی از خود نشان نداده بود.

آموزش پلیس - ارزیابی مهارت‌های عملیاتی واکنش

94. پس از مرگ آقای مولایی، کارآگاه گروهیان Downey از گروهیان ارشد Werth، افسر مسئول واحد عملیات بازرگانی (بخش مهارت‌های عملیاتی سابق) خواست تا شرایط مربوط به مرگ و اینکه آیا اقدامات انجام شده در پاسخ منطبق با خط مشی، رویه‌ها و آموزش QPS بوده است را بررسی کند.⁷⁴

95. پس از بررسی الزامات مدل استفاده موقعیتی از زور مندرج در کتابچه راهنمای روش‌های عملیاتی QPS (OPM) 14.3.2، که برای درست تلقی شدن اعمال زور باید رعایت شوند، گروهیان ارشد Werth استفاده مرگبار از زور توسط افسر ارشد Collander را موجه دانست.

96. گروهیان ارشد Werth خاطرنشان کرد که دو تهدید اصلی توسط آقای مولایی وجود داشت. اولی وسیله نقلیه او بود. دوم منبع احتراق سوختی بود که او تهدید می‌کرد در داخل وسیله نقلیه خود استفاده می‌کند.⁷⁵

97. افسر ارشد Chand و افسر Sandhu با پارک کردن خودروی پلیس در مقابل Holden Astra، تهدید ناشی از وسیله نقلیه را با ایجاد سد، کاهش دادند.⁷⁶ این سد بعد از اینکه آقای مولایی یک بار در جلو را باز کرد و از خودرو خارج شد شکسته شد.

98. گروهیان ارشد Werth بر این باور بود که رفتار آقای مولایی در حرکت به سمت افسرانی که در حال عقب نشینی بودند، به ویژه افسر ارشد Chand، در حالی که در شعله‌های آتش گرفتار بود «ممکن است به عنوان نوعی آخرین تلاش برای برانگیختن خودکشی توسط واکنش پلیس تلقی شود».⁷⁷

99. در رابطه با اقدامات قبلی پلیس تا زمان تیراندازی، گروهیان ارشد Werth به موارد زیر اشاره کرد:⁷⁸

- پس از پیدا کردن خودروی آقای مولایی، افسر Sandhu و افسر ارشد Chand درخواست کمک فوری کردند.
- افسر ارشد Chand ارتباط شفاهی با آقای مولایی را برای ایجاد ارتباط و تنش‌زدایی آغاز کرد. افسر ارشد Chand همچنین به افسر Sandhu دستور داد تا از واحدهای حاضر در جلسه بخواهد چراغ‌ها و آژیرهای خود را غیرفعال کنند تا وضعیت را تنش‌زدایی کند.
- افسر ارشد Chand حدود 3-4 دقیقه با آقای مولایی در ارتباط بود که دو واحد PSRT به محل حادثه رسیدند.
- افسر Sandhu هیچ دخالت قابل توجهی در این حادثه نداشت و درست پشت افسر ارشد Chand ایستاده بود که با آقای مولایی در ارتباط بود.⁷⁹ پس از اینکه آقای مولایی پس از شلیک گلوله افتاد، افسر Sandhu با تهیه یک کپسول آتش نشانی و استفاده کردن از آن کمک کرد. گروهیان ارشد Werth معتقد بود که اقدامات او در طول حادثه با توجه به شرایط مناسب بود.⁸⁰
- افسر ارشد Chand قبل از ورود PSRT سعی می‌کرد از استراتژی‌های ارتباطات تاکتیکی با آقای مولایی استفاده کند تا بتواند زمان بخرد و نظرش را تغییر دهد. وقتی آقای مولایی یک بطری 2 لیتری حاوی مایع زرد رنگ را

⁷³ پیوست A5

⁷⁴ پیوست B25

⁷⁵ پیوست B25، [30]

⁷⁶ پیوست B25، [32]

⁷⁷ پیوست B25، [35]

⁷⁸ پیوست B25، [50] به بعد

⁷⁹ پیوست B25، [58]

⁸⁰ پیوست B25، [61]

در حالی که به افسران PSRT نگاه می‌کرد بالا آورد، در فیلم دوربین بدنی ضبط شده است که او می‌گوید «این کار را نکن. فقط با من صحبت کن».

- هدف از تلاش افسر ارشد Chand برای برقراری ارتباط با آقای مولایی، دستیابی به یک نتیجه مثبت و مطمئن در یک موقعیت بسیار غیرقابل پیش بینی بود که نیاز به کاهش تنش داشت.⁸¹ استفاده او از باتوم در تلاش برای شکستن شیشه برای جلوگیری از خودکشی آقای مولایی با آتش بوده و موجه بوده است.
- فیلم دوربین بدنی نشان می‌دهد که آقای مولایی در حالی که در آتش می‌سوخت، به تعقیب افسر ارشد Chand می‌پردازد. تصمیم افسر ارشد Chand برای دویدن و جابجایی تاکتیکی خود به مکانی امن به تصمیم پلیس دیگر برای استفاده از نیروی کشنده کمک کرد.⁸²
- با در نظر گرفتن الزامات مدل استفاده موقعیتی از زور همانطور که در فصل OPM 14.3.2 تشریح شده است و به ویژه ارزیابی‌های تهدید مستمری که باید انجام شود، گروهان ارشد Werth معتقد بود که ارزیابی در مورد تهدید افسر ارشد Collander با سیاست، آموزش و دکتترین QPS تثبیت شده مطابقت داشت.⁸³
- استفاده از مولتی پرتابگرهای کمتر کشنده در این شرایط موجه بود.⁸⁴ هرگونه تلاش افسران برای استفاده از گزینه‌های کمتر کشنده، مانند تاکتیک‌های باتوم یا دست باز، نامناسب و از نظر تاکتیکی نامعقول بوده و افسران را در معرض خطر مرگ یا آسیب جدی قرار می‌داده است.⁸⁵
- اقدامات افسر ارشد Collander در نیراندازی به آقای مولایی برای جلوگیری از تهدید منطبق با آموزش بوده است.⁸⁶
- در صورت تماس با آقای مولایی، خطر آتش گرفتن یا سوختن همه افسران حاضر در محل وجود داشت.⁸⁷ در حالی که آقای مولایی مسلح نبود، اما به علت شلعه‌ور بودن خطر محسوب می‌شد و به نظر می‌رسید که با دست‌های باز به سوی پلیس می‌دوید.
- افسر ارشد Collander حداقل سه بار قبل از شلیک، از آقای مولایی خواست که روی زمین دراز بکشد. افسر ارشد Collander می‌توانست تصمیم خود را برای استفاده از نیروی کشنده توجیه کند، زیرا این تصمیم در پاسخ به یک تهدید قریب‌الوقوع و مشروع برای جان سایر افسران حاضر در محل بود که می‌توانست توسط آقای مولایی ایجاد شود.⁸⁸
- تصمیم به استفاده از نیروی کشنده معقول، متناسب و در شرایط موجود مناسب بود.⁸⁹ علاوه بر این، از نظر قانونی قابل دفاع بود⁹⁰ و همچنین از نظر تاکتیکی منطقی و موثر بود.⁹¹
- سایر گزینه‌های استفاده از زور در دسترس پلیس، مانند تغییر موقعیت تاکتیکی و گزینه‌های مهار موقعیتی، پس از خاموش شدن آقای مولایی با توجه به نزدیک بودن حادثه به مردم و خطر شدید آن، غیرقابل اجرا بودند.

100. گروهان ارشد Werth گفت که ممکن است پلیس پس از یافتن آقای مولایی توسط افسر ارشد Chand و افسر Sandhu باعث تشدید اولیه حادثه شده باشد.⁹² آقای مولایی ممکن است به دلیل حضور ناگهانی یونیفرم‌های پلیس در اطراف وسیله نقلیه خود، خود را آتش زده باشد. در حالی که هر دو افسر در حال تلاش برای مذاکره با آقای مولایی بودند، این ارتباط به اندازه کافی برای ایجاد تغییر رفتاری معنادار پیش نرفته است. محاصره خودروی آقای مولایی توسط افسران PSRT الزامی نبود، زیرا وسیله نقلیه وی قبلاً مهار شده بود.

⁸¹ پیوست B25، [72] به بعد

⁸² پیوست B25، [75]

⁸³ پیوست B25، [121]

⁸⁴ پیوست B25، [155]

⁸⁵ پیوست B25، [152]

⁸⁶ پیوست B25، [181]

⁸⁷ پیوست B25، [184]

⁸⁸ پیوست B25، [195]

⁸⁹ پیوست B25، [196]

⁹⁰ پیوست B25، [197]

⁹¹ پیوست B25، [198]

⁹² پیوست B25، [201]

101. گروهان ارشد Werth تجهیزات و آموزش‌های آتش‌نشانی ارائه شده به پلیس را تشریح کرد و خاطر نشان کرد که اکثر خودروهای پلیس حداقل یک کیسول آتش‌نشانی دارند.⁹³ به نظر می‌رسد کیسول آتش‌نشانی که در این مورد استفاده شد نوع درستی بوده است و موضوع تاکتیکی در مورد استفاده از کیسول آتش‌نشانی توسط افسر ارشد Holt و Manson و افسر ارشد Sheppard و Cheung-fook تصمیم تاکتیکی درستی بوده است.⁹⁴ آموزش اولیه آتش‌نشانی فقط توسط یک ارائه دهنده بیرونی برای پلیس اجرا می‌شود و هدف آن استفاده در محل کار است، نه سناریوهایی مانند آقای مولایی.⁹⁵

102. گروهان ارشد Werth پس از بررسی این حادثه چند توصیه مطرح کرد:⁹⁶

I. آموزش نیروهای استخدام شده توسط پلیس و افسران خدماتی در مورد خودسوزی باید شامل مهارت‌های اولیه آتش‌نشانی و استفاده از کیسول‌های آتش‌نشانی باشد.

II. آموزش قوی‌تر و مستمرتر نیروهای استخدام شده پلیس و افسران خدماتی در مورد گزینه‌های تغییر موقعیت تاکتیکی با تمرکز بر -

(a) جلوگیری از تشدید حوادث با ایجاد فضا در محدوده حادثه.

(b) فراهم کردن وسیله‌ای برای فرار پلیس برای تغییر موقعیت تاکتیکی به منظور کاهش فوریت استفاده از نیروی کشنده.

(c) تضمین امنیت همه حاضران با کاهش قربانیان احتمالی در حادثه به میزان حداقل ممکن.

III. آموزش قوی‌تر و مستمرتر نیروهای استخدام شده پلیس و افسران خدماتی در مورد رویه‌های مدیریت حوادث.

103. گروهان ارشد Werth خاطرنشان کرد که پس از این حادثه، یک محصول آموزشی آنلاین برای آموزش افسران در مورد تهدید خودسوزی تهیه شد.⁹⁷

104. آموزش‌های مبتنی بر سناریو ویژه‌ای نیز برای تمام پلیس‌ها تهیه شده است، از جمله برنامه‌ریزی رویکرد در موقعیت‌های تاکتیکی خطرناک و تغییر موقعیت تاکتیکی و گزینه‌های کاهش تنش در مقابل افرادی که تهدید به خودسوزی می‌کنند.⁹⁸

105. اطلاعات بیشتری در پاسخ به توصیه‌های گروهان ارشد Bailey، هماهنگ‌کننده عملیات آموزشی، خدمات آموزشی عملیاتی توسط گروهان ارشد Werth، ارائه شد.⁹⁹ گروهان ارشد Bailey اشاره کرد¹⁰⁰ که در 29 مارس 2021، یک محصول آموزشی آنلاین (OLP) در مورد «استفاده از شتاب‌دهنده‌ها و خودسوزی» منتشر شد.

106. هدف این است که پلیس را برای واکنش نسبت به حوادثی که در آنها تهدید یا استفاده واقعی از شتاب‌دهنده‌ها وجود دارد بهتر آماده کند. این محصول افسران را تشویق می‌کند تا از قبل فکر کنند و تصمیمات آگاهانه‌ای برای محافظت بهتر از جامعه بگیرند. موضوعاتی مانند تصمیم‌گیری، مدل استفاده موقعیتی از زور، مدل پلکانی تأثیر رفتاری، بازداشت، ارزیابی خطر دستگیری و کمک‌های اولیه روانشناسی را پوشش می‌دهد.¹⁰¹

⁹³ پیوست B25، [203]

⁹⁴ پیوست B25، [203]

⁹⁵ پیوست B25، [204]

⁹⁶ پیوست B25، [213] به بعد

⁹⁷ پیوست B25، [221]

⁹⁸ پیوست B25، [222]

⁹⁹ پیوست B25.1

¹⁰⁰ پیوست B25.1، [13] به بعد

¹⁰¹ پیوست B25.1، [16]

107. در حالی که هیچ آموزش رسمی حضوری در مورد استفاده از کیسول‌های آتش‌نشانی و پتوهای آتش‌نشانی توسط پلیس وجود ندارد، گروه‌بان ارشد Bailey گفت می‌توان یک فصل در مورد استفاده از کیسول آتش‌نشانی و پتو به OLP اضافه کرد.¹⁰²

108. با توجه به توصیه دوم در مورد آموزش تغییر موقعیت تاکتیکی، گروه‌بان ارشد Bailey گفت¹⁰³ که به استخدام‌کنندگان پلیس درس‌هایی در مورد تغییر موقعیت تاکتیکی به عنوان بخشی از مولفه آموزش سلاح گرم ارائه می‌شود و به طور مداوم در مورد تغییر موقعیت تاکتیکی هم در مهارت‌های پلیسی و هم در آموزش Taser آموزش داده می‌شود.

109. از 1 جولای 2022، افسران در حال خدمت، آموزش سناریو را به عنوان بخشی از تایید صلاحیت مجدد سالانه خود آغاز کردند. این سناریوها شامل تغییر موقعیت تاکتیکی در آموزش سناریوی تعاملی پویا است. گروه‌بان ارشد Bailey از توصیه‌های گروه‌بان ارشد Werth حمایت کرد و معتقد بود که OLP فعلی را می‌توان به گونه‌ای بهبود بخشید که شامل اطلاعات و تصاویری در مورد استفاده از کیسول‌های آتش‌نشانی و پتو باشد.¹⁰⁴

110. در تکمیل پاسخ گروه‌بان ارشد Bailey، بیانیه دیگری از گروه‌بان Gordon Reynolds، افسر مهارت و آموزش خط مقدم در مرکز قابلیت عملیاتی ارائه شد.¹⁰⁵ او به دلیل داشتن تجربه شخصی در مورد آتش‌سوزی بنزین که در آن 25 درصد بدنش سوخته بود، نیاز به تغییرات بیشتر در OLP فعلی را تکرار کرد. وی پیشنهاد کرد که QPS استفاده از پتوهای آتش‌نشانی را به عنوان یک منبع اضافی مناسب برای پاسخگویی به چنین حادثه‌ای در اختیار افسران قرار دهد و همچنین استفاده احتمالی از شبیه‌ساز را برای امکان آموزش مبتنی بر سناریو در واکنش به آتش‌سوزی در نظر بگیرد.¹⁰⁶

تجزیه و تحلیل حوادث بحرانی

111. در 10 فوریه 2021، گروه تحقیقات داخلی، ESC درخواست کرد که یک تحلیل داخلی بحرانی از واکنش اولیه پلیس به حوادث منجر به مرگ آقای مولایی انجام شود.¹⁰⁷ تحلیلی بر اساس اطلاعات ارائه شده و جدول زمانی اقدامات پلیس در واکنش اولیه پلیس تا زمان خودسوزی آقای مولایی انجام شد.

112. متعاقباً گزارشی توسط بازرس Timothy Mowle به منظور برشمردن آموخته‌های اصلی و تسریع در تغییر رویه‌ها و عمل در صورت لزوم تهیه شد.¹⁰⁸ نتیجه‌گیری او به شرح زیر بود:

- زمانی که آقای مولایی در پارکینگ شناسایی شد، با بررسی فیلم‌های دوربین داشبورد و دوربین بدنی، مشخص شد که افسر ارشد Chand یک بستر مذاکره ایجاد کرده است و تلاش می‌کند با او ارتباط برقرار کند.¹⁰⁹ این زمانی اتفاق می‌افتد که افسران ZE791 در جلوی سمت راننده خودرو قرار گرفته بودند و افسران ZE790 پیاده از عقب خودرو نزدیک می‌شدند.



Figure 2: Position of police on initial contact

102 پیوست B25.1، [19]

103 پیوست B25.1، [20]

104 پیوست B25.1، [28]

105 پیوست B25.2

106 پیوست B25.2، [19] – [15]

107 پیوست C25

108 پیوست C25، صفحه 4

109 پیوست C25، صفحه 9



- سه خودروی پلیس و شش افسر پلیس یونیفرم پوش در مجاورت آقای مولایی قرار داشتند. فیلم دوربین داشبورد ZE791 نشان می‌دهد که آقای مولایی به طور فعال محیط اطراف خود را بررسی می‌کند و توجه او چندین بار از افسر ارشد Chand که قصد مذاکره با او داشت، دور می‌شود.¹¹⁰
- وقتی افسر ارشد Shepherd وارد قاب شد، آقای مولایی را می‌توان دید که روی صندلی خود خم شده و محتویات ظرف را روی سرش می‌ریزد.¹¹¹ زمانی که افسر ارشد Chand به شیشه ضربه زد، آقای مولایی شتابدهنده را روشن کرد و محفظه راننده در شعله‌های آتش فرو رفت.
- در ساعت 22:02:04، آقای مولایی در حالی که غرق در آتش بود، از خودروی خود خارج و به سمت مأموران مستقر در سمت چپ ZE790 دوید. افسر ارشد Chand و افسر ارشد Manson فاصله گرفتند و جای خود را تغییر دادند. افسر ارشد Holt دستورات شفاهی داد که «برگرد، برگرد» و پس از آن یک گلوله غیر کشنده شلیک شد.¹¹² قبل از شلیک چهار گلوله غیر کشنده دیگر، همان دستور چهار بار دیگر صادر شد. افسر ارشد Shepherd نیز یک گلوله کمتر مرگبار شلیک کرد.
- در ساعت 22:03:13، آقای مولایی در حال حرکت به سمت جلوی ZE790 بود و افسر ارشد Shepherd برای ایجاد فاصله به عقب حرکت کرد. در فاصله دو متری آقای مولایی، افسر ارشد Cheung-Fook با در دست داشتن یک سپر Perspex به جلو حرکت کرد. افسر ارشد Collander سلاح گرم خود را بیرون کشید و چهار گلوله شلیک کرد.¹¹³
- از زمانی که خدمه SC402 آقای مولایی را پیدا کردند تا زمان شلیک گلوله‌های مرگبار تقریباً 6 دقیقه و 20 ثانیه طول کشید.¹¹⁴

113. بازرس مربوطه Mowle، از نظر ارتباطی یعنی ارتباط رادیویی، تاکتیکی و کلامی به موارد زیر اشاره کرد:

- در حالی که اطلاعات مربوط به سلامت روان آقای مولایی در دسترس نبود، خدمه پاسخگو با توجه به شرایط موجود، اطلاعات کافی برای تعیین ماهیت کار و برنامه‌ریزی بر اساس آن داشتند. این در واکنش فوری SC402 منتج شده است، که با استفاده از زبان بدن و حرکات غیر تهدیدآمیز در طول تعامل، یک بستر مذاکره ایجاد کرد، فضای کافی و فاصله را با آقای مولایی فراهم کرد، و از خدمه درخواست کرد که هنگام نزدیک شدن از چراغ و آژیر استفاده نکنند.¹¹⁵
- در حالی که پاسخ به موقع همه خدمه قابل تحسین است، اشاره شد که عدم ارتباط رادیویی بین اولین پاسخ و خدمه بعدی (PSRT و SC441) وجود داشته است.¹¹⁶

110 پیوست C25، صفحه 10، شکل 4

111 پیوست C25، صفحه 10

112 پیوست C25، صفحه 12

113 پیوست C25، صفحه 12

114 پیوست C25، صفحه 12

115 پیوست C25، صفحه 14

116 پیوست C25، صفحه 14

- نقایص فرماندهی در طول تجزیه و تحلیل، به ویژه در تعاملات ZE790 و ZE791 مشاهده شد که تأثیر منفی بر نتیجه داشت: 117

- افسر ارشد Chand اصلاً به عنوان فرمانده زمینی معرفی نشد.
- یک نفر رهبری تیم کنترل ZE790 و ZE791 را به عهده نگرفت - آنها به عنوان دو تیم کوچک مستقل عمل کردند.
- در حالی که گفتگو بین رهبران تیم در ZE790 و ZE791 بود، افسر ارشد Chand در گفتگو، تصمیم گیری یا اقدامات بعدی مشارکت نداشت.
- تماس آغازین هنگام واکنش به آقای مولایی که شتابدهنده را مشتعل می‌کرد، رهبر تیم ZE790 نبود، بلکه افسر ارشد Manson بود. وضعیت به سرعت رو به افول گذاشت و افسران متعددی دستورات را فریاد زدند و هیچ فردی آشکارا فرماندهی و کنترل را به دست نداشت.
- افسر ارشد Chand، به عنوان بخشی از اولین واحد واکنش و ارشدترین افسر حاضر در آن زمان، فرمانده زمینی بود. او بیشترین آگاهی موقعیتی را داشت و به نظر می‌رسید که اوضاع را تحت کنترل دارد. 118 به این ترتیب، یگان‌های فرعی که به صحنه می‌رسند، مسئولیت برقراری ارتباط با او و دریافت گزارش موقعیتی و گفتگو درباره وظایف را داشتند. با این حال، این اتفاق نیفتاد.

114. از نظر مدیریت، بازرس در حال وظیفه Mowle، مشاهدات زیر را بیان کرد: 119

- اقدامات SC402 به عنوان اولین واحد واکنش ستودنی و منعکس کننده یک رویکرد صحیح به وضعیت بر اساس اطلاعات و آگاهی موقعیتی آنها پس از یافتن آقای مولایی بود.
- بعد از ورود ZE790 و ZE791 تغییر محسوسی در رفتار آقای مولایی ایجاد شد. فعالیت قابل توجهی از سوی این افسران در اطراف خودروی سوژه صورت گرفت. او را می‌توان دید که به سمت این افسران نگاه می‌کند، زیرا تجهیزات باز شده و آشفته به نظر می‌رسد. 120
- قرار گرفتن ZE791 در سمت چپ جلوی خودرو با هدف کاهش قابلیت خودرو انجام شد، اما این تصمیم بدون مشورت با افسر ارشد Chand یا درک عمیق‌تر وضعیت اتخاذ شد. در مورد تصمیم به قرار دادن ZE790 در عقب خودروی آقای مولایی نیز همینطور بود.
- یک رویکرد محتاطانه‌تر برای ZE790 و ZE791 این بود که در مجاورت و نزدیکی، اما دور از چشم آقای مولایی قرار گیرند. 121

115. از نظر عوامل مؤثر، بازرس Mowle تصدیق کرد که هیچ مشکل روانی یا درمان مشخصی و در رابطه با این موضوع هیچ هشدار در QPrime وجود نداشت. با این حال، با ورود چند واحد پلیس، تغییری در رفتار آقای مولایی مشاهده شد.

116. بازرس Mowle اذعان داشت که معلوم نیست آیا اقدام به خودسوزی آقای مولایی، نتیجه ورود یگان‌های بیشتر پلیس بوده است یا اینکه هدف او همیشه این بوده است. 122

117. دو یافته زیر در بررسی به دست آمد: 123

a. بررسی یافته 1 (ارتباطات):

- 117 پیوست C25، صفحه 14 و 15
- 118 پیوست C25، صفحه 15
- 119 پیوست C25، صفحه 15
- 120 پیوست C25، صفحه 15 و 16
- 121 پیوست C25، صفحه 16
- 122 پیوست C25، صفحه 17
- 123 پیوست C25، صفحه 17 و 18

در این تجزیه و تحلیل، نقایص فرماندهی متعدد، مرتبط با ارتباطات کلامی و تاکتیکی مشاهده شد. در هیچ زمان، مشخص نبود که رهبر تیم هر یک از تیم‌های ZE790، PSRT یا ZE791، شخص افسر ارشد Chand را به‌عنوان فرمانده زمینی به رسمیت می‌شناسند. یکی از رهبران، کنترل کلی تیم‌ها را در اختیار نداشت. هیچ مدرکی مبنی بر دخالت افسر ارشد Chand در هر مکالمه، تصمیم‌گیری یا اقدامات بعدی وجود نداشت. شواهدی از نقص در رهبری و نظم تیمی در ZE790 و ZE791 وجود داشت.

توصیه می‌شود که تیم رهبری ارشد، گروه خدمات تخصصی، با مشورت ESC، فیلم دوربین بدنی و فیلم‌های ضبط شده مصاحبه مقدماتی اعضای خود که در این حادثه دخیل بوده‌اند را با در نظر گرفتن آموخته‌هایی که خود در مورد رهبری تیم، نظم و انضباط تیم و پویایی تیم شناسایی کردند را بررسی کنند و نتایج را به ESC و دستیار کمپرسر کاندون گزارش دهد.¹²⁴

b. بررسی یافته 2 (مدیریت):

با ورود تیم‌های PSRT تغییری در رفتار آقای مولایی مشاهده شد. در حالی که پذیرفته شد که نیت و موقعیت اولیه ZE790 و ZE791 عالی بوده است، این بدون مشورت با افسر ارشد Chand و ظاهراً در تضاد با اخطارهای پخش شده و گزارش وضعیت ارائه شده توسط افسر ارشد Chand رخ داده است. تیم‌های PSRT می‌توانستند به همان اهداف به شیوه‌ای تاکتیکی درست‌تر دست یابند.

توصیه شد که PSRT کفایت رویه‌های عملیاتی استاندارد خود را در رابطه با تعامل اولیه با فرمانده زمینی پس از ورود به محل حادثه بررسی کند.

پاسخ به تجزیه و تحلیل حوادث بحرانی

118. پس از تکمیل تجزیه و تحلیل حادثه بحرانی، سرپرست Partridge به نمایندگی از گروه واکنش تخصصی، پاسخی به نتیجه‌گیری و توصیه‌هایی ارائه داد.¹²⁵

119. سرپرست Partridge در این باره، خاطرنشان کرد:

- نقش اصلی PSRT، پاسبانی نظم عمومی است و توانایی واکنش به حوادث بحرانی چنین تیمی با گروه‌های تاکتیکی پلیس تناسبی ندارد.¹²⁶
- تهدیدی که آقای مولایی برای عموم مردم ایجاد می‌کرد، در عین حال که تهدید به خودزنی کرده بود، قابل توجه بود.

• بررسی یافته 1 (ارتباطات):

- با توجه به تهدید قابل توجهی که آقای مولایی داشت، اولویت یگان‌های پلیس پاسخگو در محل استقرار وی، ایزوله کردن و مهار تهدید با ارائه پشتیبانی به تنها واحد پاسخ دهنده بود.¹²⁷ واکنش سریع یگان‌ها به موقعیت‌های خطرناک که ممکن است تهدیدی برای امنیت افسر همکار باشد، «متداول» و از نظر تاکتیکی مناسب است.

- وقتی PSRT رسید، افسر ارشد Chand مشغول مذاکره با آقای مولایی بود. به این ترتیب، درخواست اطلاعات یا راهنمایی از یگان‌های پلیس پاسخگو می‌توانست توانایی او را برای انجام مؤثر وظایفش کاهش دهد. اولویت پاسخگویی PSRT برای رسیدن به محل حادثه، کسب آگاهی موقعیتی و کمک به همکار و مهار تهدید قابل درک، مطلوب و از نظر تاکتیکی مناسب بود.¹²⁸

¹²⁴ اکنون بازنشدت شده است

¹²⁵ پیوست C26

¹²⁶ پیوست C26، صفحه 1

¹²⁷ پیوست C26، صفحه 2

¹²⁸ پیوست C26، صفحه 3

- در این پیشنهاد که افسر ارشد Chand به عنوان فرمانده زمینی محسوب می‌شد، تناقضات و انتقاداتی نسبت به عدم وجود یک رهبر تیم PSRT وجود داشت.
 - سرعت رویدادها که توسط آقای مولایی در بدو ورود PSRT آغاز شد، مانع از مشورت افسران و ایجاد چارچوب فرماندهی شد.¹²⁹
 - تایید شد که ساختار فرماندهی یگانهای PSRT پاسخگو در این حادثه مشخص نیست. برای اصلاح این مسئله، دستورالعمل‌ها اصلاح شده است تا افسر ارشد PSRT را در مواقعی که افسران درجه برتر حضور ندارند به وضوح شناسایی کند.¹³⁰
 - سرپرست Partridge از این یافته که هنگامی که آقای مولایی خود را به آتش کشید افسران PSR اقدام اضطراری را آغاز کردند، پشتیبانی نکرد. فیلم نشان می‌دهد که چنین اقداماتی توسط افسر ارشد Chand در زمانی انجام شد که سعی می‌کرد پنجره کنار راننده را بشکند.¹³¹ به علاوه، او با این یافته مخالف بود که واکنش این افسران به وضعیت به سرعت در حال تشدید، نشانگر نظم تیمی ضعیف یا نبود رهبری در PSRT یا توسط افسر ارشد Chand بود.
 - با گذشت زمان بیشتر، افسران پاسخگو باید می‌توانستند منابع خود را بهتر در موقعیت قرار دهند و پاسخ‌های اضطراری خود را برنامه‌ریزی کنند. اما اقدامات آقای مولایی این فرصت را به آنها نداد.¹³²
- بررسی یافته 2 (مدیریت):¹³³
- به نظر می‌رسد حضور افسران PSRT پاسخگو بر رفتار آقای مولایی تأثیر گذاشته است. با این حال، هرگز مشخص نخواهد شد که آیا واقعاً چنین بوده است یا خیر. مسئولیت اصلی ایزوله کردن و مهار تهدید بود.
 - خودروی وظیفه عمومی که در مقابل خودروی آقای مولایی پارک شده بود، نتوانسته بود مهار ایجاد کند. فضای کافی در اطراف وسیله نقلیه وجود داشت (تقریباً 1.5 متر در جلو و عقب) که ممکن بود به آقای مولایی فضای کافی برای مانور دادن با وسیله نقلیه خود بدهد تا آزاد شود.
 - با توجه به اقدامات منتهی به حادثه ایشان، و وضعیت روحی وخیم آشکار وی و تمایل به اجتناب از پلیس، منطقی بود که پلیس پاسخگو به این نتیجه برسد که آقای مولایی انگیزه بالایی برای جلوگیری از دستگیری یا بازداشت توسط پلیس دارد.¹³⁴
 - مهار مؤثر متخلفان در وسایل نقلیه مستلزم آن است که افسران واکنش دهنده، وسیله نقلیه مورد نظر را سفت و سخت با وسایل نقلیه پلیس یا اشیاء دیگر محاصره کنند تا از فرار جلوگیری شود. با توجه به تهدیدی که توسط آقای مولایی ایجاد شده بود، افسران PSRT چاره‌ای جز این نداشتند که وسیله نقلیه خود را همانگونه که برای مهار مؤثر انجام دادند، قرار دهند. این از نظر تاکتیکی درست بود.¹³⁵
 - موقعیت‌یابی وسایل نقلیه PSRT با آموزش ارائه شده به افسران PSRT در مورد استراتژی‌های رهگیری وسایل نقلیه مطابقت داشت.
 - سرپرست Partridge نتایج حاصل از اقدامات قابل ستایش SC402 در واکنش به آقای مولایی را به اشتراک گذاشت، اما این سوال را مطرح کرد که چرا بین افسران PSRT که متعاقباً در آن شرکت کردند، تفاوت قائل شدند.¹³⁶

¹²⁹ پیوست C26، صفحه 3.

¹³⁰ پیوست C26، صفحه 3.

¹³¹ پیوست C26، صفحه 3 و 4.

¹³² پیوست C26، صفحه 4.

¹³³ پیوست C26، صفحه 4 به بعد.

¹³⁴ پیوست C26، صفحه 5.

¹³⁵ پیوست C26، صفحه 5.

¹³⁶ پیوست C26، صفحه 6.

- گزارش وضعیت ارائه شده توسط افسر ارشد Chand به خدمه پاسخگو مبنی بر نداشتن چراغ و آژیر، شامل درخواست برای دور ماندن یا استقرار وسایل نقلیه در جای دیگری نبود، و به این ترتیب، موقعیت خودروهای PSRT با چنین گزارش وضعیتی مغایرت نداشت.¹³⁷

120. سرپرست Partridge معتقد بود که نتیجه ناگوار حادثه در 6 آوریل 2020 کاملاً ناشی از اقدامات آقای مولایی است. افسران حاضر، ایمنی عمومی را بر سایر ملاحظات ایمنی، از جمله ایمنی خودشان، اولویت دادند.¹³⁸ وی بر این باور بود که اقدامات همه افسران مطابق با آموزش و خط مشی جاری آنها بوده و از نظر تاکتیکی صحیح و مؤثر است.

پاسخ متعاقب QPS به تجزیه و تحلیل حوادث بحرانی و پاسخ توسط سرپرست Partridge

121. در 22 اکتبر 2021، به دنبال پاسخ ارائه شده توسط سرپرست Partridge به تجزیه و تحلیل حادثه بحرانی، کمیته فرعی بررسی رویدادهای بحرانی (CIRS) برای بحث در مورد این موضوع تشکیل جلسه داد.¹³⁹ توصیه‌های ارائه شده توسط بازرس Mowle مورد توجه قرار گرفت.

122. CIRS معتقد است که این حادثه آموزه‌های سازمانی دارد که بهبود مستمر را در سراسر سازمان تضمین می‌کند. توصیه شد که یک تذکره مشاوره عملیاتی (OAN) تهیه و در سراسر کشور توزیع شود. هدف OAN این بود که به افسران این موارد را یادآوری کند.¹⁴⁰

- فرماندهی و کنترل.
 - آگاهی از موقعیت.
 - ارزیابی مداوم - از جمله اقدامات سوژه و پیامدهای بالقوه اقدامات تاکتیکی پلیس؛ و
 - استراتژی‌های تنش‌زدایی.
123. OAN برای توزیع در سراسر ایالت توسط رئیس سابق CIRS، معاون کمیسر کاندون تأیید شد.¹⁴¹ و در 5 نوامبر 2021 منتشر شد.¹⁴² این مستلزم آن است که افسران هنگام پاسخ به یک رویداد مهم سه مرحله را دنبال کنند:

- کسب آگاهی موقعیتی در موقعیت‌های تاکتیکی خطرناک.
 - ارزیابی مداوم هنگام بررسی اقدامات تاکتیکی پلیس.
 - پاسبانی با نفوذ و تأثیر آن بر تکنیک‌های تنش‌زدایی.
124. توصیه‌های ارائه شده توسط بازرس Mowle از آن زمان در نظر گرفته شده و در صورت لزوم اقدام شده است. به روزرسانی وضعیت زیر توسط گروه‌بان ارشد Anthony Bradbury، واحد بازبینی عملیاتی، ESC ارائه شده است.¹⁴³

توصیه 1: در 17 آگوست 2021، سرپرست Partridge با محققین ESC ملاقات کرد و فیلم دوربین بدنی و بخش‌هایی از پیشرفت‌ها را با افسران درگیر بررسی کرد، تا آموخته‌هایی در مورد رهبری تیم، نظم و انضباط تیم و پویایی تیم را شناسایی کند. دستیار کمیسر، فرماندهی پشتیبانی عملیات از پاسخ ارائه شده توسط سرپرست Partridge در پاسخ به بررسی حادثه بحرانی پشتیبانی کرد.¹⁴⁴

¹³⁷ پیوست C26، صفحه 6.

¹³⁸ پیوست C26، صفحه 6.

¹³⁹ پیوست A5، صفحه 91؛ پیوست C28، صفحه 2.

¹⁴⁰ پیوست A5، صفحه 91.

¹⁴¹ پیوست A5، صفحه 92.

¹⁴² پیوست A5، صفحه 96؛ پیوست 28.2؛ پیوست C28، صفحه 3.

¹⁴³ پیوست C28،

¹⁴⁴ پیوست C28، صفحه 2.

توصیه 2: سرپرست Patrige تایید کرد که ساختار فرماندهی یگان‌های PSRT پاسخگو در این حادثه مشخص نبود. در دستورالعمل PSRT 2021/30، دستورالعمل‌های واگذاری فرمان و وظایف روزمره که به وضوح حضور افسر ارشد PSRT در مواقعی که افسران رتبه بالاتر حضور ندارند را مشخص می‌کنند، این مسئله اصلاح شد.¹⁴⁵ این مستلزم معرفی یک رهبر تیم در زمان پاسخگویی به رویدادی است که در آن دو تیم مشارکت دارند.¹⁴⁶

نتیجه گیری در مورد مسائل تحقیق

یافته‌های مورد نیاز بخش 45 قانون قتل

125. از من خواسته شده است تا حد امکان علت پزشکی مرگ، اینکه فرد متوفی چه کسی بوده و چه زمان، کجا و چگونه دچار مرگ شده است را تعیین کنیم. با در نظر گرفتن تمام شواهد، از جمله مطالب موجود در پیوستها، به یافته های زیر رسیدم:

هویت متوفی –

امید مولایی

چگونه فوت کرد -

آقای مولایی در سال 2011 به طور غیرقانونی از ایران وارد استرالیا شد. وی پس از دریافت ویزای حفاظتی، شهروند استرالیا شد. او چندین ماه بود که با شریک زندگی و فرزندانش در Sunnybank زندگی می‌کرد. پس از اینکه روی شریک زندگی خود و خودش سوخت پاشید، تهدید کرد که او و خودش را آتش خواهد زد. پس از اینکه او (شریک زندگی) توانست فرار کند، او (آقای مولایی) خانه را با ماشین خود ترک کرد و در پارکینگ رستوران در Sunnybank پارک کرد. او تهدید کرد که خود و ماموران پلیس را به آتش خواهد کشید.

پلیس رسید و سعی کرد با آقای مولایی در حالی که در ماشینش نشسته بود، مذاکره کند. پس از رسیدن پلیسهای بیشتر، او روی بدنش بنزین ریخت و خود را به آتش کشید. سپس از خودرو خارج شد و قبل از اینکه توسط یک افسر پلیس در محل مورد اصابت گلوله قرار گیرد، به سمت پلیس دوید.

محل فوت –

Mains Road و Corner McCullough Street
SUNNYBANK QLD 4109 AUSTRALIA

تاریخ مرگ –

6 آوریل 2020

علت مرگ –

شلیک گلوله به قفسه سینه و سایر شرایط مهم که به عنوان جراحات حرارتی ذکر شدند.

تناسب و کفایت اقدامات مأموران پلیس حاضر در تاریخ 6 آوریل 2020 در رابطه با آقای مولایی از جمله راهبرد تاکتیکی بکار گرفته شده، اثربخشی مذاکرات انجام شده و تصمیم پلیس برای استفاده از نیروی مهلک و غیره.

اینکه آیا افسران پلیس درگیر مطابق با خط مشی‌ها و رویه‌های سرویس پلیس کونینزلند (QPS) عمل کردند و آیا اقدامات مذکور مناسب بود.

126. ملاحظات اولیه در این تحقیقات، اقدامات پلیس در واکنش به این حادثه بود که با استفاده از نیروی کشنده به اوج خود رسید. در این رابطه، من شواهد کارشناسان داخلی QPS مربوطه که برای ارائه مدرک دعوت شده‌اند را بررسی کردم.

¹⁴⁵ پیوست C28، صفحه 3

¹⁴⁶ پیوست B28.1

127. مشاهده اولیه تصاویر ویدئویی مواجهه با آقای مولایی در حال دویدن به سمت پلیس در پارکینگ مکدونالد، نگرانی‌هایی را در مورد مناسب بودن اقدامات پلیس برانگیخت، زیرا مشخص نبود یک «مرد شعلهور» چه آسیبی می‌تواند به افسران وارد کند.
128. با این حال، در نهایت قانع شدم که اقدامات هر یک از افسران حاضر در این حادثه مناسب و مطابق با سیاست‌ها و رویه های QPS مربوطه بوده است. تلاش‌هایی برای محاصره و مهار آقای مولایی و محدود کردن خطر آسیب و تهدید ارائه شده توسط وی انجام شد. این موضوع مورد قبول خانواده آقای مولایی، کمیسر و افسران درگیر قرار گرفت.
129. به ویژه، باید از افسر ارشد Chand به خاطر تلاش‌هایش برای برقراری ارتباط آرام با آقای مولایی و ایجاد رابطه با او در تلاش برای کاهش تنش قدردانی شود. این امکان وجود داشت، اما به هیچ وجه مطمئن نیستم، که اگر به افسر ارشد Chand فرصت داده می‌شد تا به تعامل با آقای مولایی ادامه دهد، ممکن بود نتیجه متفاوت باشد.
130. اقدامات آقای مولایی در نهایت مطابق با هدف اعلام شده او از اوایل همان شب در ساعت 9:13 شب و سپس در ساعت 9:45 شب بود که گفت:
- «اگر کاری کنند، من خودم و افسران پلیس را به آتش می‌کشم.»
131. سایر خدمات اورژانس نیز برای کمک فراخوانده شدند. با این حال، قبل از اینکه آنها در موقعیت قرار گیرند، این حادثه تشدید شد.
132. از نظر موقعیت مکانی خودروی PSRT ZE791، من موافقم که حضور افسر ارشد Chand و ون iLoad افسر Sandhu در مقابل Holden Astra آقای مولایی، اگر او می‌توانست از پارکینگ با خودرو خارج شود، برای مهار و جداسازی موثر تهدیدی که وی در صورت خروج از آن ایجاد می‌کرد، کافی نبود.
133. راه‌هایی برای فرار او با ماشین وجود داشت و اگر تبدیل به یک «سنگر متحرک» می‌شد، خطر بالا بود. من می‌پذیرم که اولویت حفاظت از مردم با نگره داشتن وسیله نقلیه آقای مولایی در آن مکان، از رجحان ملاحظات مربوط به احتمال تشدید وضعیت در حال حاضر بی‌ثبات و پرخطر است. این شواهد هر یک از افسرانی بود که تصمیمات تاکتیکی را می‌گرفتند و توسط سرپرست Partridge تایید شده است.
134. در حالی که بازرس Mowle پذیرفت که یافتن وسیله نقلیه PSRT در پارکینگ ضروری بود، او فکر می‌کرد که این کار می‌توانست به شکلی مخفیانه انجام شود. با این حال، با توجه به فوریت واکنش مورد نیاز و آنچه که قبل از حضور در آن شب به افسران اطلاع داده شده بود و مکان عمومی خودروی آقای مولایی، این نتیجه‌گیری باعث کاستن از صحت تصمیم تاکتیکی افسران در ZE791 برای قرار دادن خودرو در آن وضعیت نمی‌شود.
135. نقایص فرماندهی در PSRT که توسط بازرس Mowle در تجزیه و تحلیل رویداد بحرانی برشمرده شدند، باید در چارچوب هشدار در نظر گرفته شود که او در بررسی خود قرار داده است. او موافقت کرد که این کار به منظور آینده نگری انجام شده و هدف آن معرفی بهترین عملکرد است تا به عنوان آموزه در روش‌های عملیاتی بهبود یافته به کار برود.
136. بازرس Mowle ضمن اذعان به آنکه اقدامات افسران PSRT از نظر تاکتیکی صحیح و مطابق با آموزش، سیاست و رویه است، چندین پیشنهاد در مورد چگونگی بهبود چنین واکنشی ارائه کرد، از جمله مشارکت با فرمانده صحنه و تعیین موقعیت خودروها.
137. سرپرست Partridge در پاسخ بعدی، به عملی بودن تجزیه و تحلیل با توجه به تهدید ایجاد شده پرداخت و همچنین تغییراتی که از آن زمان در دستورالعمل صادر شده به PSRT در رابطه با معرفی یک رهبر تیم واحد در بین تیم‌های PSRT به وجود آمده و آموزش قوی به طور منظم به همه افسران در PSRT را معرفی کرد.
138. سرپرست Partridge عنوان کرد که به مرور زمان، افسران پاسخگو باید می‌توانستند منابع خود را بهتر در موقعیت قرار دهند و واکنش‌های اضطراری خود را برنامه‌ریزی کنند. اما اقدامات آقای مولایی چنین فرصتی را به آنها نداد.
139. از نظر گزینه‌های استفاده از زور که توسط افسران مورد استفاده قرار گرفتند، از جمله پرتابگرهای کمتر کشنده mm40، من مدرک گروهبان Werth را می‌پذیرم که این تدابیر ضروری بوده و با توجه به شرایط، در تلاش برای کاهش خطر و تهدید آقای مولایی قابل توجیه بودند. همچنین من موافق هستم که استفاده از تاکتیک‌های دست باز یا باتوم نامناسب و از نظر تاکتیکی ناامن بود و افسران را در معرض خطر مرگ یا جراحت جدی قرار می‌داده است.

140. نظر گروهیان Werth این بود که تصمیم به استفاده از نیروی کشنده توسط افسر ارشد Collander با توجه به شرایط برای توقف تهدید ناشی از آقای مولایی موجه، معقول، متناسب و مناسب بوده است.

141. هیچ گزینه دیگری برای استفاده از زور برای جلوگیری از خطر قریب الوقوع آسیب جدی یا مرگ ایجاد شده توسط آقای مولایی در دسترس نبود. از شواهد افسر ارشد Collander مشخص است که این تصمیمی نبود که او ساده گرفته باشد. این تصمیم او را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

142. من حرف همه افسران حاضر را شنیدم. هر کدام گفتند که در این حادثه واقعاً نگران جان خود بودند. این حادثه به وضوح همه افسران حاضر را تحت تأثیر قرار داده است و هیچ یک قبلاً در حادثه‌ای از این نوع حضور نداشته است. این رویداد سریع بود و به سرعت بالا گرفت. زمان پیدا شدن آقای مولایی و شلیک گلوله‌های مرگبار تقریباً 6 دقیقه و 20 ثانیه طول کشیده است.

143. در نهایت، من معتقدم که نتیجه ناگوار حادثه 6 آوریل 2020 کاملاً ناشی از اقدامات آقای مولایی بوده است. من قبول دارم که افسران حاضر، ایمنی عمومی را بر سایر ملاحظات ایمنی، از جمله ایمنی خودشان، برای واکنش به این تهدید در اولویت قرار دادند، که در آن شرایط تصمیم مناسبی بوده است.

144. مطالب ارسالی برای افسران درگیر، دیدگاه‌های متفاوت شاهدان QPS در رابطه با قرار دادن وسیله نقلیه PSRT در پارکینگ و بهترین شیوه در رابطه با مهار وسایل نقلیه و به ویژه بهتر بودن مهار نزدیک وسیله نقلیه را نشان می‌دهد.

145. من قبول دارم که افسر ارشد Chand در ابتدا فرماندهی این حادثه را بر عهده داشت، اما PSRT نقش‌های خاصی را از نظر اینکه چه کسی باید خودرو را محدود کند و استفاده از کپسول آتش‌نشانی و نیروی غیر کشنده در زمانی که افسر ارشد Chand به مذاکره با آقای مولایی ادامه می‌داد، تعریف کرده بود. من موافقم که وقایع خیلی سریع اتفاق افتاد طوری که ساختار فرماندهی رسمی ایجاد نشد.

آیا آموزش ارائه شده به افسران در واکنش به یک حادثه مشابه کافی است.

146. گروهیان Werth در رابطه با آموزش پس از این حادثه چندین پیشنهاد مطرح کرد. اکثر آنها توسط QPS پیاده سازی شده‌اند.

147. آموزش قوی‌تر و مستمرتر به نیروهای استخدام شده و افسران پلیس در مورد گزینه‌های تغییر موقعیت تاکتیکی ارائه شده است و در فعالیتهای آموزشی مختلف، از جمله آموزشهای اجباری برای تأیید صلاحیت مجدد سالانه مهارت‌های عمومی پاسبانی و همچنین در استفاده از سلاح‌های گرم و تپانچه برقی (تیزر) گنجانده شده‌اند.

148. در رابطه با آموزش واکنش نشان دادن به خودسوزی و شتابدهنده‌ها، یک محصول آموزشی آنلاین در مارس 2021 معرفی شد که اکنون برای همه افسران اجباری است. این شامل بخشی در مورد استفاده و استقرار کپسول‌های آتش‌نشانی و مکان آنها در خودروهای پلیس است.

149. برای انعکاس آموخته‌های سازمانی از این حادثه، یک یادداشت مشورتی عملیاتی نیز در 5 نوامبر 2021 توزیع شد که به افسران در مورد فرماندهی و کنترل، آگاهی از موقعیت، ارزیابی مداوم و اقدام تاکتیکی و همچنین راهبردهای کاهش تنش یادآوری می‌کرد.

150. در رابطه با منابعی که ممکن است به افسران در واکنش به یک حادثه مشابه کمک کرده باشد، در دسترس بودن پتوی آتش‌نشانی پیشنهاد شد. با توجه به این که چنین منبعی ممکن است به آسانی نتواند به تجهیزات حمل‌شونده توسط افسران پلیس اضافه شود، مشاور دستیار اعلام کرد که من می‌توانم توصیه کنم که QPS بررسی کند که آیا نصب وسایل نقلیه با پتوی آتش‌نشانی برای کمک در شرایطی که افسران ملزم به پاسخگویی به تهدیدات مربوط به حوادث خودسوزی هستند امکان‌پذیر است یا خیر.

151. مشاور دستیار همچنین اظهار داشت که می‌توان به خودروهای واحد تخصصی نصب QPS، مانند وسایل نقلیه PSRT یا SERT، با کپسول آتش‌نشانی بزرگ‌تر نیز فکر کرد و اینکه آیا این به افسران کمک می‌کند تا به حادثه‌ای با این ماهیت پاسخ دهند.

152. متذکر می‌شوم که این مسائل در یافته‌های تحقیقات آوریل 2023 در رابطه با مرگ William Grimes نیز مورد توجه قرار گرفت. در آن کمیسر مطرح کرد که هیچ مدرکی مبنی بر اینکه پتوی آتش‌نشانی در خودروی خدماتی به حادثه کمک کرده یا نتیجه را تغییر می‌داده است وجود نداشته است.

153. مثل تحقیقات Grimes، من موافقم که در شرایط مرگ آقای مولایی، مشخص نیست که امکان استفاده ایمن از پتوی آتش نشانی توسط مأموران در شرایط استفاده از یک شتابدهنده و مردی که شعله‌ور در پارکینگ می‌دود وجود داشته است یا خیر. در این وضعیت، احتمالاً پتوی آتش‌نشانی کمکی نمی‌کرده است.

154. به همین ترتیب، من می‌پذیرم که تهیه کپسول آتش‌نشانی در خودروهای خدماتی در درجه اول برای مهار آتش است و استفاده از کپسول آتش‌نشانی خشک شیمیایی برای فرد آخرین راه حل است زیرا پیش‌رانه و گازها ممکن است مضر باشند. با این حال، این باید با این واقعیت سنجیده شود که ممکن است فرد در آتش سوخته باشد و در آن زمان شعله‌ور بودن کامل دچار صدمات شدید شده است. همانطور که توسط شواهد کارشناسی بازرس Mallouk در تحقیق Grimes ذکر شد، کپسول‌های آتش‌نشانی «اثر خف‌کنندگی دارند اما بهتر از هیچ چیزی نداشتن است.»

155. خانواده آقای مولایی نسبت به ماهیت واکنشی آموزش QPS و اینکه هیچ آموزش خاصی برای تیم PSRT در رابطه با سناریویی با ماهیت مشابه وجود نداشته است، ابراز نگرانی کردند. گزارش شد که تعداد مرگ‌های ناشی از شتابدهنده‌ها، از جمله خودسوزی، در حال افزایش است، و در مواردی که PSRT به عنوان «تقویت‌کننده نیرو» در شرایط بحرانی استفاده می‌شود، و در جایی که سلاح گرم به کار رفته است، باید در رابطه با چنین سناریویی، آموزش متمرکز ارائه شود که باید توصیه کنم:

«بر اساس بررسی رویداد بحرانی، پس از استفاده افسر پلیس از نیروی مرکبار، باید یک بازنگری همزمان در زمینه آموزش موقعیتی انجام شود.»

156. اهمیت گنجاندن آموخته‌های ناشی از حوادث قبلی در تحقیقات تیراندازی پلیس در سال 2017 به رسمیت شناخته شد،¹⁴⁷ و در توصیه 7 نیز توصیه شده است:

در آموزش مهارت‌های عملیاتی و تاکتیک‌ها، همچنان «درس‌های آموخته‌شده» از تیراندازی‌های قبلی در آموزش مبتنی بر سناریو، از جمله پیش‌بینی حضور سلاح‌ها در بنو ورود به صحنه، عقب‌نشینی تاکتیکی، و مدیریت تماشاگران در طول حادثه گنجانده می‌شود.

157. کمیسر اظهار داشت که مسائل آموزشی شناسایی شده توسط خانواده قبلاً در آموزش مبتنی بر سناریو مورد توجه قرار گرفته است. این امر بر اساس بررسی‌هایی مانند گزارش‌های حادثه بحرانی است. همچنین گفته شد که ارائه یک سناریوی خاص برای انعکاس وقایع مرتبط با مرگ آقای مولایی (خودسوزی) دشوار خواهد بود و QPS قبلاً یک محصول آموزشی آنلاین مرتبط را تهیه کرده است. من این موضوع را می‌پذیرم.

کفایت تحقیقات در مورد مرگ توسط افسران فرماندهی استانداردهای اخلاقی سرویس پلیس کویینزلند (QPS).

158. تحقیقات انجام شده توسط گروهبان Downey، همانطور که به طور جامع در گزارش 99 صفحه‌ای قتل به تفصیل شرح داده شده است، حرفه‌ای بوده و به طور کامل شرایط این موضوع را در نظر گرفته است.

159. همه پیوست‌های مربوطه دریافت شدند که فراتر از منابع مرتبط با در نظر گرفتن یافته‌های بخش 45 بودند، اما به تعیین اینکه آیا توصیه‌های پیشگیرانه بیشتری می‌توان ارائه داد یا خیر، کمک می‌کردند.

160. افسر Downey با توجه به نگرانی‌ها در مورد رها شدن افسران در زیر باران قبل از حضور افسران ESC، در دستورالعمل رویه‌های عملیاتی و دستورالعمل‌های فرماندهی گروه تحقیقات داخلی چندین مفاد متناقض و غیرمنسجم را شناسایی کرد. آنها به جدا کردن افسران، اینکه آیا افسران باید در صحنه بمانند یا پشتیبانی رفاهی پس از یک حادثه مربوط بودند. این امر به اصلاحاتی در حمایت رفاهی از افسر، از جمله کنار رفتن آنها از صحنه حادثه به محضی که از نظر منطقی عملی باشد منجر شد.¹⁴⁸

161. مطالب ارسالی کمیسر تایید کرد که این مسئله اصلاح خواهد شد.

نظرات و پیشنهادات

162. آقای Gnech اظهار داشت که تندرستی پلیس باید «مقدم و مهم» باقی بماند و حمایت و تندرستی کارکنان خدمات اضطراری نباید دست کم گرفته شود. او خاطرنشان کرد که توصیه‌های تحقیق در سال 2017 در رابطه با تیراندازی‌های پلیس به این نتیجه رسیدند که فرآیندهای محدودی برای رسیدگی به تندرستی افسران وجود دارد.¹⁴⁹

163. توصیه 10 تحقیقات تیراندازی پلیس در سال 2017 این بود:

افسران درگیر در یک حادثه بحرانی که منجر به مرگ می‌شود موظفند حداقل در یک جلسه با یک روانشناس یا روانپزشک مستقل از خدمات پلیس کویینزلند (QPS) شرکت کنند و این مسئله، موضوع بررسی جداگانه‌ای توسط QPS خواهد بود. در بررسی باید موارد زیر در نظر گرفته شود:

- موثرترین راه‌های حمایت از افسران پلیس پس از یک حادثه بحرانی منجر به مرگ در میان مدت و بلند مدت
- آموزش افسران پست‌های نظارتی برای اطمینان از اینکه آنها می‌توانند به طور مناسب افسران تحت نظارت خود که در حوادث مهمی که منجر به مرگ می‌شود را نظارت کنند. از جمله آگاهی از علائم هشدار دهنده مبنی بر اینکه یک افسر در حال تجربه مشکلاتی است؛ و اقداماتی که می‌توان برای اطمینان از این امر انجام داد که این افسران حمایت به موقع دریافت می‌کنند.
- چگونه می‌توان مکانیسم‌های حمایتی مناسب ایجاد کرد و چگونه بر کفایت مکانیسم‌های موجود نظارت می‌شود.

164. آقای Gnech خاطرنشان کرد که شواهد این تحقیق نشان می‌دهد که افسران درگیر در رابطه با تأثیر رویدادها بر روی آنها، پریشانی مداومی را تجربه می‌کردند. من آن مسئله را می‌پذیرم. وی همچنین اظهار داشت که با وضعیت تندرستی مأموران در صحنه در هنگام جدا شدن آنها، برخورد مناسبی صورت نگرفته است.

165. مأموران موظف شدند به مدت یک ساعت در صحنه بمانند و در مکان‌های اطراف پارکینگ عمومی بنشینند و در معرض دید مردم قرار بگیرند. به عنوان مثال، افسر Sandhu به کمیته تحقیق گفت که باید 20 متر از وسیله نقلیه پلیس خود در باران منتظر می‌ماند و هیچ پشتیبانی فوری از او نشد.

166. همچنین در آزمایشات پزشکی قانونی افسران تأخیر وجود داشت. گزارش شد که هیچ افسری مسئولیت تندرستی افسران درگیر را بر عهده نگرفت. با این حال، پذیرفته شد که این موضوع مربوط به باز پرس ESC نیست، بلکه مربوط به یک افسر ارشد در ناحیه محل وقوع حادثه است.

¹⁴⁸ پیوست B32

¹⁴⁹ توصیه‌های تحقیق در مورد مرگ Shaun Basil Kumeroa؛ Anthony William Youn؛ Edward Wayne؛ Logan؛ Laval Donovan Zimmer؛ و Troy Martin Foster

167. آقای Gnech اظهار داشت که من باید یک بار دیگر توصیه کنم که افسران درگیر در حوادث مهم موظف شوند حداقل در یک جلسه با یک روانشناس یا روانپزشک شرکت کنند. او همچنین اظهار داشت که برای موضوعاتی از این قبیل باید یک گزارش موقت برای رسیدگی به تأثیر حادثه بر افسران درگیر ارائه شود و بخشی از شواهد در تحقیقات تهیه شود.
168. آقای Gnech اظهار داشت که من باید توصیه کنم که یک کارگروه برای رسیدگی به این مسائل ایجاد شود و این گروه کاری شامل افسرانی با تجربه زنده از یک حادثه بحرانی و همچنین کارشناسان در زمینه رفاه حال افسران باشد.
169. کمیسر اظهار داشت که جدایی افسران و تندرستی مستمر افسران، در حیطه موضوعی این تحقیق نیست. گزارش شد که شواهد کافی در دادگاه وجود ندارد تا به این نتیجه برسیم که دستورالعمل‌های 8 نوامبر 2021 برای کمک‌های اولیه روان شناختی (PFA) کافی نیست. این دستورالعمل‌ها پس از تاریخ این حادثه اجرا شدند.¹⁵⁰
170. دستورالعمل‌های PFA باید در زمینه ارائه PFA پس از یک حادثه بحرانی یا رویداد بالقوه آسیب‌زا استفاده شوند. دستورالعمل‌های PFA یک رویکرد مراقبت پلکانی را اعمال می‌کند که طیف وسیعی از گزینه‌های حمایتی را برای هدف قرار دادن سطوح مختلف مداخله در سلامت روان ارائه می‌دهد.
171. کمیسر اظهار داشت که آموزش PFA برای همه اعضا الزامی است و انتظار می‌رود مدیران و سرپرستان از سیاست‌های مربوطه پیروی کنند. تمامی افسران دخیل در این حادثه به غیر از DDO آموزش‌های مربوطه را گذرانده بودند.
172. پس از حادثه‌ای مانند این، OPM از فرماندهان پلیس، افسران وظیفه منطقه‌ای و افسران وظیفه ناحیه می‌خواهد تا در صورت امکان، یک منبع اختصاصی PFA را مستقر کنند.¹⁵¹ برای حمایت از اعضا مدیران باید نظارت و پشتیبانی مستمر را در روزها و هفته‌های پس از مواجهه ارائه دهند. همچنین از اعضا انتظار می‌رود که سلامت روان خود را درک و نظارت کنند و نقش فعالی در مدیریت آن داشته باشند.¹⁵²
173. طبق دستورالعمل‌های PFA، پشتیبانی باید ظرف 24 ساعت پس از یک حادثه، ظرف 2 هفته و سپس به صورت مداوم ارائه شود. دستورالعمل‌ها همچنین خاطرنشان می‌کنند که اعضا می‌توانند «زمانی که مستقیماً و بلافاصله در یک حادثه بحرانی درگیر شده باشند و در جایی که مرخصی توسط نماینده مربوطه تأیید شده باشد، از مرخصی حادثه حساس استفاده کنند.»
174. همچنین انتظار می‌رود منبع PFA از اعضای بالقوه آسیب دیده پشتیبانی کند و به اعضا کمک کند تا تحقیقات فرماندهی استانداردهای اخلاقی را بررسی کنند.
175. در صورت امکان، اعضای درگیر در یک حادثه بحرانی باید در اولین فرصت موجود از صحنه کنار بروند تا تماس بیشتر با اعضا متوقف شود و اطمینان حاصل شود که منبع اختصاصی PFA پاسخگو؛ همانطور که در OPM ذکر شده، در معرض حادثه قرار نمی‌گیرد.
176. کمیسر اظهار داشت که حتی اگر افسران PSRT درگیر در این حادثه از حمایت کافی برخوردار نباشند، هرگونه توصیه‌ای مبنی بر بازنگری این سیاست ناپخته خواهد بود.
177. دستورالعمل‌های PFA قرار است در 8 نوامبر 2024 بررسی شوند. به نظر می‌رسد که نگرانی‌های آقای Gnech می‌تواند با توصیه زیر برطرف شود:
- من توصیه می‌کنم که یک افسر QPS در حال خدمت یا بازنشسته با تجربه زنده از یک حادثه بحرانی که در آن یک فرد جان خود را از دست داده است، در هر کمیته QPS یا کارگروه قرار گیرد که به همراه یک متخصص خارج سازمانی در زمینه تندرستی افسران پلیس، وظیفه بررسی دستورالعمل‌های کمک‌های اولیه روانشناختی را به عهده داشته باشند.
178. من تحقیق را مختومه می‌کنم.

¹⁵⁰ پیوست C41

¹⁵¹ یک افسر پشتیبانی هم‌تا یا کشیش QPS آموزش دیده، یا در غیاب آنها یک منبع PFA آموزش دیده بیرونی.

¹⁵² پیوست C41، صفحه 11

Terry Ryan
بازپرس قتل ایالتی
BRISBANE